



به امید شکستن یخبندان سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۰



صفحات ۲ و ۳

بهار متفاوت هم خجسته باد



ایرانیان بر اساس یک عادت نیک تاریخی روزهای نو شدن طبیعت را جشن می‌گیرند و روزهایی را دست از کار می‌کشند و به کارنامه و برنامه سپری شده و در راه می‌اندیشند. این بهار اما با بهارهای پیشین این تفاوت را دارد که متأسفانه ویروس قاتل کرونا در ایران همچنان قربانی می‌گیرد و باید بسیار مراقب باشیم تا جان و جسم و روح خود و دیگران را از این ویروس درامان نگه داریم. بهار ۱۴۰۰ اما از این نظر که تحریم و رشدهای کند و تورم بالا گروه بیشتری از ایرانیان را به تله فقر و تهیدستی انداخته است با بهارهای پیشین تفاوت دارد. ایرانیان اما از این سال‌های نه چندان خوش کم ندیده‌اند و با بردباری و مدارا و سخت‌کوشی از آن عبور کرده‌اند. ایران بزرگ آنقدر توانایی دارد که این روزهای سخت را پشت سر بگذارد. نشریه شکر سال نور را به همه خوانندگان ارجمند و نیز خانواده بزرگ صنعت قند و شکر تقدیم می‌گوید و از خداوند بزرگ بهترین روزها را برای آنها آرزو می‌کند. بهار ایران همیشه زیبا خواهد ماند و این را سرزمین جاوید ایران نشان داده است.

قند قهستان سال آینده راه‌اندازی می‌شود

در مرز شهرستان درمیان راه‌اندازی شد. وی گفت: فرسودگی تجهیزات، کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش، بدهی به بانک، حقوق معوق کارگران و سوءمدیریت منجر به تعطیلی این واحد تولیدی در سال ۹۲ شد. رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان جنوبی اظهار داشت: با پیگیری و همکاری دستگاه قضا و سایر دستگاه‌های اجرایی بخش زیادی از مشکلات این واحد تولیدی رفع شده و تجهیزات لازم نیز خریداری شده است.

رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان جنوبی گفت: کارخانه قند قهستان در شهرستان درمیان که بیش از ۶ سال قبل تعطیل شده بود تا اردیبهشت ۱۴۰۰ مجدداً وارد چرخه تولید می‌شود. عباس جرجانی در نشست ستاد پیگیری اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که به ریاست رییس کل دادگستری خراسان جنوبی برگزار شد، افزود: کارخانه قند قهستان سال ۱۳۴۰ با هدف ایجاد اشتغال و تثبیت جمعیت

در صفحات دیگر می‌خوانید:

دخالت دولت در بازار و داستان نوکیسه‌ها	اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹: کرونا، تحریم و تورم	تصمیم ضد تولید و حامی واردات و وزارت صمت	آیا آینده کشت چغندر قند اتحادیه اروپا در مخاطره است؟
صفحه ۱۰	صفحه ۸	صفحه ۶	صفحه ۴

معلوم و مجهول قند و شکر در سال ۱۴۰۰ | بهمن دانایی

تولید قند و شکر یک فعالیت چند بعدی است که از دل خاک و مزرعه‌های خرد و پراکنده چغندر و نیز اراضی بزرگ و یکپارچه نیشکر در پهنه ایران و نیز ده‌ها کارخانه و نیز سایر فعالیت‌های پیشین و پسین را دربر می‌گیرد. این صنعت راهبردی که یکی از اصلی‌ترین نیازهای انسان را در بستر و چارچوب امنیت غذایی تأمین می‌کند در سال ۱۳۹۹ با انبوهی از مشکلات ریز و درشت روبه‌رو بود. بخشی از تنگناهای این فعالیت عمومی به همه فعالیت‌های صنعت برمی‌گردد و بخشی از مشکلات نیز در چارچوب مشکلات خاص به صنعت قند و شکر برمی‌گردد. به‌طور مثال همه فعالیت‌های صنعتی در گبرودار تغییرات مدیریتی در وزارت صنعت معدن و تجارت بودند اما صنعت قند و شکر به دلیل ماهیت فعالیت‌هایی که دارد با دو وزارتخانه سروکار دارد که گرفتاری‌های مدیریتی در وزارت یاد شده و نیز وزارت جهاد کشاورزی بر فعالیت‌های این صنعت سایه انداخته بود. صنعت قند و شکر در سال ۱۳۹۹ سرانجام از زیر بلیت تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی بیرون آمد اما پیامدهایش هنوز دامنگیر صنعت باقی مانده است. صنعت قند و شکر نیز مثل بقیه فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی در سال ۱۳۹۹ از سه متغیر اساسی شامل کرونا، تحریم و نیز سیاست‌های اقتصادی دولت دوازدهم تأثیرپذیری داشت و بیراهه‌هایی برایش کشیده شد. این صنعت شاهد فراز و فرودهای صنایع پسین و مصرف‌کنندگان شکر بود و نیز از تغییرات نرخ ارز، تورم بالا و نیز تغییرات نرخ بهره بانکی و سیاست‌های تجارتي آسیب دید. متأسفانه روند پیشین در تولید و تجارت شکر که منجر به رسیدن به درجه‌های بالا از خوداتکایی شده بود از ریل خارج و واردات نسبت به سال‌های رونق تولید داخل سهم بیشتری در تأمین نیازهای داخلی پیدا کرد و باورها به خود اتکایی از سوی واردکنندگان دوباره در جریان مخدوش شدن قرار گرفت.

ادامه در صفحه ۲



به امید شکستن یخبندان سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۰

تجربه جامعه‌های انسانی به ویژه کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان و پیشگام در افزایش تولید و باز کردن دروازه کشورهای دیگر مثل اروپای غربی و نیز امریکا نشان می‌دهد این کشورها پس از انباشت سرمایه و به جریان انداختن آن توانستند راه توسعه صنعتی و اقتصادی را هموار سازند. در دوره‌های نزدیک‌تر نیز می‌توان به تجربه کشورهای نوظهور صنعتی مثل کره جنوبی و ترکیه اشاره کرد که توانسته‌اند خود را از مدار توسعه‌نیافتگی رها کرده و با شتابی قابل اعتنا و با فاصله‌ای هر روز کاهنده‌تر به صف کشورهای توسعه‌یافته قدیمی‌تر برسانند. این گروه از کشورهای نوظهور صنعتی نیز تنها با انباشت سرمایه و شکستن سدهایی که پیش روی سرمایه‌گذاری بود به این درجه از توسعه رسیده‌اند.

سرمایه از کجا انباشت می‌شود

حالا یک پرسش بنیادین پیش رو است: کشورهای پیشگام توسعه‌یافته از کدام محل سرمایه‌نخستین را فراهم کردند؟ در این باره البته تفاوت دیدگاه وجود دارد. برخی باور دارند گام نخست انباشت سرمایه در اروپای غربی در دورانی برداشته شد که آنها توانستند کشورهای دیگر را مستعمره خود کرده و مواد اولیه کشورهای استعمارزده را به سرزمین خود برده و در برابر آن کالای ساخته شده خود را به زور به این کشورها بفروشند. یک دیدگاه دیگر این است که در این کشورها نظام اقتصادی اجازه انباشت سرمایه و سود بردن به هر میزان را به افراد می‌داد و آنها با این نظام اقتصادی درآمدهایی بسیار فراتر از هزینه‌های زندگی به دست آورده و پس‌اندازهای خود را به سرمایه‌گذاری اختصاص دهند. همچنین گفته می‌شود و تجربه تدوین شده تأیید می‌کند که کشورهای نوظهور صنعتی نیز از مزایای سرمایه‌های بین‌المللی در جریان آزاد شدن راه صدور سرمایه توانسته‌اند از روش‌های جذب سرمایه‌گذاری مستقیم یا اعتبارات و نیز فاینانس سرمایه لازم برای عبور از مدار توسعه‌نیافتگی رها دست آورده و این مرحله را پشت سر بگذارند.

ایران سرمایه‌داشت

پیش از داستان اصلی این بخش از نوشته باید قبول کنیم اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته نسل اول و نیز کشورهای نوظهور صنعتی پس‌افتاده است و فاصله و شکاف بزرگی میان اقتصاد ایران با کشورهای دسته اول و کشورهای توسعه‌یافته دهه‌های تازه سپری شده رخ داده است. نشانه‌های این شکاف بزرگ در درآمد و تولید سرانه به ویژه تولید سرانه صنعتی و نیز صادرات و به خصوص صادرات کالاهای تکنولوژیک و نیز کیفیت سیاست‌گذاری اقتصادی می‌توان دید. واقعیت این است اقتصاد ایران از نظر کیفیت سیاست‌گذاری، صادرات و تولید صنعتی به رغم اندازه قابل اعتنا در ردیف کشورهای در حال توسعه قرار دارد. این در حالی است که از نظر درآمد سرانه به شدت در وضعیت نامساعد قرار داریم. آیا ایران سرمایه کافی در اختیار نداشت؟ متأسفانه باید گفت در حالی که کره جنوبی، ترکیه و چین برای

معلوم و مجهول قند و شکر در سال ۱۴۰۰



عرضه و تقاضای ارز اثر بگذارد و نرخ ارز نقطه‌ای بایستد که تعادل فعلی در واردات و تولید داخلی دیگر در همین نقطه فعلی باقی نماند. با توجه به اینکه هزینه‌های تولید اکنون با دلار ۲۵ هزار تومانی انجام می‌شود و ارز ارزان نیز برای واردات تخصیص داده نمی‌شود در شرایط ویژه‌ای قرار داریم. اگر ناگهان قیمت هر دلار از ۲۵ هزار تومان به ۱۵ هزار تومان سقوط کند واردات شکر مقرون به صرفه خواهد بود و تعادل به زیان تولید داخل به هم می‌خورد. به هر حال این مجهول در اقتصاد ایران و در صنعت قند و شکر به این دلیل که بخشی از نیاز کشور ناگزیر باید از خارج تأمین شود بسیار بر سرنوشت صنعت مؤثر خواهد بود.

یکی از گرفتاری‌های عمده صنعت قند و شکر در همه دهه‌ها این بوده و هست که هر دولتی می‌خواهد با شکر ارزان به مردم خدمت کند و برای رسیدن به این هدف خود از ابزارها و سازمان‌هایی مثل قیمت‌گذاری دستوری و نیز سازمان‌های حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و سازمان‌های تعزیرات استفاده می‌کند. در فضایی که دولت به صنعت خدمات ترجیحی می‌داد این رفتارها شاید توجیه داشت اما در وضعیت فعلی که دولت هیچ کمکی به تولید داخلی نمی‌کند ارزان نگه داشتن قیمت کارخانه‌ها در دسره‌های فساد و رانت را دوباره زنده کرده و شرایط را برهم می‌زند. برای سال ۱۴۰۰ چشم‌اندازی از این نظر دیده نمی‌شود و کارخانه‌های قند و شکر امیدوارند یک بار برای همیشه از این مسأله تاریخی عبور کنیم.

دولت‌های گوناگون در ایران سیاست‌های تجاری ویژه داشته و خواهند داشت. واردکنندگان شکر در ایران یک گروه کوچک و سازمان‌یافته با قدرت لابی‌گری پنهان و آشکار فوق‌العاده‌ای هستند که می‌توانند و توانستند در سال‌های اوج تحریم میلیون‌ها دلار ارز کمیاب را برای واردات در اختیار بگیرند. یکی از مجهولات شکر در سال ۱۴۰۰ نگاه به واردات در برابر تولید داخل است. در صورتی که واردکنندگان بتوانند در لایه‌های گوناگون نهادها و وزارتخانه‌های ذی‌نفوذ در تولید و تنظیم بازار شکر راه یابند می‌توانند به زیان تولید داخل سهم واردات را افزایش دهند. از گرفتاری‌های صنعت در ایران از جمله صنعت قند و شکر این است که برای تأمین سرمایه در گردش با بانک‌ها اتکالی بالایی دارند. منافع بانک‌های ایرانی به دلیل قدرت بالایی که دارند همیشه بر تولید برتری داشته و منابع و پس‌انداز شهروندان را به بالاترین نرخ به تولید وام می‌دهند. در سال‌های پیشین دولت‌های وقت وبه ویژه بانک مرکزی بسته پولی و ارزی که در آن سیاست‌های نرخ سود نیز گنجانده می‌شد را قبل از سال تازه اعلام می‌کردند اما در سال جاری این اتفاق نیفتاده است. اگر بانک‌ها نرخ‌های سود بالایی را مطالبه کنند وضعیت دخل و خرج کارخانه‌ها را به هم می‌زند و این نیز یکی دیگر از مجهولات صنعت قند و شکر است.

سیاست خرید تضمینی چغندر قند نیز در سال آینده وضعیت نامشخصی دارد. آیا قرار است این سیاست ادامه یابد؟ آیا دولتی که بر سر کار می‌آید به اهمیت زمان‌بندی در تعیین و اعلام قیمت تضمینی و پیامدهای آن بر نظام کشت‌آشنایی کافی خواهد داشت؟

ادامه از صفحه اول معلوم‌های سال ۱۴۰۰

مسأله صنعت قند و شکر در سال ۱۴۰۰ معلوم‌ها و مجهول‌هایی دارد که باز شناخت آنها برای رسیدن به راه‌حل‌های موفق در حل مسأله ضرورت تمام‌عیار دارد. معلوم اصلی این است که ایران نیاز به تهیه ۲ تا ۲٫۳ میلیون تن شکر در سال ۱۴۰۰ دارد. در صورتی که سرانه مصرف شکر با تغییرات بزرگ روبه‌رو نشود باید این میزان شکر به بازار عرضه شود تا بازار در تعادل به سر برد. معلوم دیگر که بر اثر تجربه به دست آمده این است که عرضه شکر به دلیل اینکه یک محصول با پایه زراعت و کشاورزی به حساب می‌آید در طول ۱۲ ماه سال از نظر میزان عرضه فاقد توازن است و در فصل و ماه‌های خاصی مقدار بیشتری عرضه می‌شود و در ماه‌ها و فصل‌هایی از سال کمتر عرضه می‌شود. با توجه به اینکه میزان تولید داخلی هرگز به اندازه نیاز داخلی نبوده است معلوم دیگر این است که ایران نیاز به واردات شکر دارد تا بازار به تعادل برسد. در فاصله زمانی که تولید به بازار عرضه شود اما شکاف‌های زمانی وجود دارد که اگر از سوی مدیران قند و شکر اعم از مدیران کارخانه‌ها و نیز مدیران تجارت خارجی با بهره‌وری و کارآمدی مدیریت نشود به تالطم بازار منجر شده و شرایط را به زیان تولید داخل به هم می‌زند. معلوم دیگر این است که چغندرکاران ایرانی همانند هر فعال اقتصادی به این می‌اندیشند که از داشته خود شامل زمین و نیروی کار بیشترین سود را ببرند و در صورتی که قیمت نسبی چغندر به سبب زمینی سود کمتری بدهد به سراغ کشت سیب‌زمینی می‌روند. این اتفاق بارها رخ داده است و در ایران شاهد بوده‌ایم که عدم رعایت این معلوم آشکار شرایط را به زیان تولید داخل کرده است. معلوم دیگر در این صنعت که دهه‌های طولانی است بر بازار و صنعت قند و شکر حاکم است عدم تعادل و توازن و هماهنگی میان تجارت خارجی و تولید داخل این کالا است. واردکنندگان ورزیده و استخوان خرد کرده در تجارت خارجی قند و شکر همیشه دنبال گل‌آلود کردن آب برای زمین زدن تولید داخلی شکرند.

مجهولات سال ۱۴۰۰

در صدر مجهولات صنعت قند و شکر در سال آینده این است که در انتخابات بهار ۱۴۰۰ کدام طیف از کدام جناح سیاسی برنده شود و چه کسی با کدام گرایش سیاسی و اقتصادی بر اسب قدرت ریاست‌جمهوری سوار می‌شود. تجربه نشان می‌دهد یک دولت مثل دولت نهم و با وزیرانی در صنعت و کشاورزی به راحتی از خیر تولید داخلی شکر به نفع واردات چشم‌پوشی کرده و حاضر نیستند از تولید داخل حمایت کافی و لازم را داشته باشند. در مقابل اما دیدیم دولت یازدهم با یک وزیر علاقه‌مند به تولید داخلی از واردکنندگان نهراسید و تولید داخل را با هر ابزاری افزایش داد. نکته دیگر این است که آیا دولت تازه‌ای که بر سر کار می‌آید باور دارد با تشکل‌های تخصصی همکاری پایاپای داشته باشد و از مهارت‌ها و تخصص مدیران و سرمایه‌گذاران این صنعت و نیز تجربه انباشت شده در انجمن صنعتی قند و شکر استفاده کند؟ واقعیت این است در دولت‌های گوناگون این همکاری اجتناب‌ناپذیر بسته به سلیقه و گرایش و شخصیت کارشناسان دولت سست و استوار می‌شده است. یکی دیگر از مجهولات در سال ۱۴۰۰ به تحولات نرخ ارز برمی‌گردد که البته یک مشکل عمومی هم به حساب می‌آید. واقعیت این است که سیاست‌های ارزی دولت دوازدهم به دلیل وضعیت خاص سیاست خارجی و اینکه کشور درگیر جنگ اقتصادی است فاقد ثبات است و در سال ۱۴۰۰ که دولت نیز تغییر می‌یابد و نیز احتمال دارد در موضوع پرونده هسته‌ای دگرگونی‌های ناشناس پیش آید و این مسأله بر



به این ترتیب بر بی ثباتی های پیشین افزوده اند. یکی از دلایل خشکسالی و یخبندان سرمایه گذاری در صنعت ایران بی ثباتی در سیاست گذاری های نیم سده گذشته است.

از سوی دیگر دولت های ایران هرگز به این نیندیشیدند که عقل اقتصادی یک گروه کوچک به اسم دولت یا کابینه از عقل همه ایرانیان برای اداره اقتصاد خود مردم در هر گروه و قشری کمتر است بلکه برعکس آن اندیشیده و عمل کرده و می کنند. به طور مثال در حالی که در صنعت قند و شکر یک تاریخ ۱۲۵ ساله و شمار قابل اعتنایی از مدیران و متخصصان با تجربه وجود دارد گروهی در دولت باور دارند مصالح این مدیران و صاحبان کارخانه ها را بیشتر از خود آنها تشخیص می دهند. یکی از مهم ترین گرفتاری ها این است که آنها برای صیانت از میز ریاست خود روش های برخلاف منطق اقتصادی مثل قیمت گذاری دستوری را بر صنعت اعمال کرده و به کارخانه دار تکلیف می کنند ما به شما می گوئیم قیمت محصول شما چقدر است و کی و به چه کسی بفروشید. این روش منسوخ شده در جهان اما در ایران هنوز کاربرد وسیعی دارد و راه را بر نوآوری و خلاقیت و سرمایه گذاری نوآورانه بسته است. واقعیت این است در ایران نرخ ارز و نرخ بهره بانکی به مثابه دو متغیر مهم در سرمایه گذاری در اختیار کامل دولت ها بوده است و شرایط سیاسی کشور در داخل و خارج، این نرخ ها را تحت تأثیر قرار می دهد و سرمایه گذاران احتمالی را با سرگیجه مواجه می کند. فرض کنید کسی الان شروع به احداث کارخانه ای کند و برای کارخانه مورد نظر باید از خارج ماشین آلات وارد کند و الان قیمت دلار ۲۴ هزار تومان است. اما او نمی داند الان اگر همه کالاهای مورد نیاز را سفارش دهد ۶ ماه دیگر قیمت دلار ۳۰ هزار تومان است یا ۱۸ هزار تومان. درباره نرخ بهره بانکی نیز همین مسأله وجود دارد. در ایران هیچ راهی وجود ندارد که سرمایه گذار بدانند برنامه ای که برای توسعه بنگاه دارد یا کارخانه ای که تازه می خواهد بنا کند یک سال بعد با ثبات روش ها و اراده ها روبه رو خواهد بود یا با توفان روبه رو می شود.

چه باید کرد؟

می گویند گذشته چراغ راه آینده است. بر اساس همین استدلال است که باید گفت متأسفانه با وجود بی ثباتی سیاست گذاری و نیز استیلای دیوان سالاران بر کارآفرینان و سرمایه گذاران امیدواری ها را نباید جدی گرفت. از سوی دیگر هر ایرانی دلسوز به این مرز و بوم نیز می داند نباید دست روی دست گذاشت و ساکت ماند و اقتصاد و صنعت را به سلیقه سیاسی این یا آن حزب و جناح گره زد. واقعیت این است که ایران می تواند در یک دوره منطقی و بر اساس تجربه و تخصص هزاران کارآفرین و میلیون ها نیروی تحصیل کرده از بن بست اقتصاد ضعیف بیرون بیاید و در مسیر توسعه قرار گیرد. در ایران باید جنبش ذهنی نیرومندی راه بیفتد که پیامد آن اعتماد به عقل معیشتی شهروندان باشد. در این صورت بخش بزرگی از همه مشکلات بر طرف می شود. گام بعدی این است که دست و پای دولت و صدها دستگاه، مؤسسه و سازمان دولتی را در یک جنبش دولت زدایی کوچک کرده و راه ها را باز کنیم تا نهاد های مدنی به ویژه خانواده ها و بنگاه ها بدون واسطه با هم در داد و ستد باشند. در این صورت انگیزه برای سرمایه گذاری افزایش می یابد. در صورتی که شرایط سیاست خارجی نیز به سامان باشد ایران می تواند به سادگی سرمایه مورد نیاز برای توسعه اقتصاد را از مسیر تعامل با جهان به دست آورد.

درصدی و در سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ شاهد رشد منفی متوسط سالانه ۴/۹ درصدی بوده ایم. میانگین رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ حدود ۶ درصد منفی بوده است. در سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۸ شاهد رشد منفی چهار درصدی سالانه سرمایه گذاری در ماشین آلات بوده ایم. سرمایه گذاری ۲۷ هزار میلیارد تومانی در ماشین آلات در سال ۱۳۹۸ کمترین رقم در ۱۵ سال اخیر است. در سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ شاهد میانگین رشد سالانه منفی ۹/۷ درصدی سرمایه گذاری در ماشین آلات بوده ایم. افت ۲۸ درصدی سرمایه گذاری واقعی ماشین آلات بخش خصوصی در هشت سال اخیر در مقایسه با دوره مشابه و رشد منفی ۱۰ درصدی در سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ اتفاق افتاده است.

در سال ۱۳۹۸ برای نخستین بار از سال ۱۳۸۸ با افت رقم موجودی سرمایه خالص واقعی مواجه شده ایم که معنایش این است که سرمایه گذاری جدید کمتر از رقم استهلاک سرمایه قبلی است. روند نزولی با شتاب رشد واقعی موجودی سرمایه خالص در سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ نیز به چشم می آید. هفت سال متوالی رشد منفی موجودی سرمایه ماشین آلات، تشدید افت موجودی سرمایه ماشین آلات در دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و افت سرمایه گذاری جدید، فرسودگی بالا و عدم به روزرسانی خطوط تولید، تشدید محدودیت و ممنوعیت واردات تجهیزات و ماشین آلات و تشدید شکاف با فناوری های نوین نیز قابل توجه است. روند رشد منفی واقعی سرمایه سالانه موجودی سرمایه ماشین آلات از منفی ۰/۷ درصد به منفی ۳/۹ درصد نگران کننده است. در حالی که در سال ۲۰۱۷ شاهد جذب سرمایه گذاری مستقیم به میزان پنج میلیارد دلار بودیم، این رقم در سال ۲۰۱۹ به عدد ۱/۵ میلیارد دلار سقوط کرده است. این رقم کمتر از میانگین جذب سرمایه در سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ است که معادل ۴/۲ میلیارد دلار بوده است. در این گزارش نیز نبود ثبات اقتصادی، فقدان تصویری شفاف از وضعیت فعلی اقتصاد و مبهم بودن آینده اقتصاد، عدم قطعیت، ناطمینانی و ریسک بالای شروع کار، نبود محیط رقابتی، انحصار در بازارها، تنگنای اعتباری و عدم سهولت تأمین مالی، غیر واقعی بودن متغیرهای کلیدی مثل نرخ ارز، نرخ بهره و حامل های انرژی و عدم رویکرد برون گرایی از جمله چالش های حوزه سرمایه گذاری ذکر شده است.

چرا خشکسالی سرمایه گذاری

در حالی که ایران برای عبور از مدار توسعه نیافتگی نیاز به رشدهای بالای سرمایه گذاری دارد چرا در ایران خشکسالی سرمایه گذاری اتفاق افتاد؟ واقعیت این است که در این باره نکات فنی و دقیقی از سوی اقتصاددانان و نیز فعالان و کارشناسان اقتصادی به تفصیل بیان شده است. اما آنچه در نقطه کانونی این وضعیت قابل اعتنا است و البته در این باره کمتر به صورت شفاف بحث شده است، اقتصاد سیاسی ایران است. این وضعیتی که ایران از نظر یخبندان سرمایه گذاری دارد را باید در راستیای امور سیاسی بر امور اقتصادی جست و جو کرد. متأسفانه نوع مبارزه سیاسی در داخل راه های توسعه سرمایه گذاری را بسته است دولت های ایران پس از جنگ راهبردهایی به طور بنیادین متفاوت از هم را در سیاست های اقتصادی به کار گرفته و در امتداد هم حرکت نکرده اند. دولت هایی که هر کدام هشت سال بر اقتصاد حکومت کردند سیاست های اقتصادی را نه بر اساس راهبردی مبتنی بر ادامه سیاست های بلندمدت بلکه بر اساس سیاست خاص خود تهیه و اجرا کرده و

کسب دلارهای مورد نیاز باید سخت تلاش می کردند اما ایران نزدیک به ۶۰ سال به درآمدهای ارزی آسان حاصل از صادرات نفت دسترسی داشت اما این منابع به جای سرمایه گذاری در زیربناها و در مسیر توسعه صنعتی و کشاورزی به خرید محبوبیت سیاسی سیاستمداران اختصاص یافت و حالا این روزها از این درآمد هم محروم شده ایم. اگر این گزاره بالا را به لحاظ ذهنی و حیثیتی قبول کنیم می توانیم دلایلی که به یخ زدن جریان سرمایه گذاری در ایران منجر شده است اشاره و یادآور شویم چگونه می توان این یخ ضخیم را در سال ۱۴۰۰ آب کرد.

وضعیت موجود

پیش از تشریح دلایل یخبندان سرمایه گذاری در ایران به ویژه در دهه ۱۳۹۰ و آرایه راههایی برای عبور از یخبندان سرمایه گذاری در ایران نگاهی از سر اشاره به برخی اطلاعات ناراحت کننده درباره وضعیت سرمایه گذاری در ایران خواهیم داشت.

یک گزارش پژوهشکده امنیت اقتصادی توضیح داده است: «تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ۱۰ سال گذشته روند کاهشی داشته است. سرمایه گذاری خصوصی در یک سال اخیر از ۱۱۱۴/۴ هزار میلیارد تومان به ۷۵/۷ هزار میلیارد تومان رسیده و افت محسوس را تجربه کرده است. سرمایه گذاری دولتی نیز در سال ۱۳۸۸ معادل ۴۱/۴ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۲۲ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. عدم تحقق مخارج عمرانی دولت، کسری بودجه دولت و محدود شدن اعتبارات در دسترس بخش خصوصی، بی ثباتی اقتصادی و بالا بردن میزان ریسک و ناطمینانی در اقتصاد کشور، فقدان نگاه بلندمدت و دخالت عوامل سیاسی در مقوله سرمایه گذاری، افزایش هزینه های سرمایه گذاری و نداشتن استراتژی مشخص در سرمایه گذاری را می توان از مهم ترین دلایل افت سرمایه گذاری داخلی در سال های گذشته دانست. میزان سرمایه گذاری کل در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۵۸/۴ هزار میلیارد تومان بوده، اما این رقم در سال ۱۳۹۸ به ۹۷/۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. با وجود روند نزولی سرمایه گذاری دولتی و خصوصی در این سال ها، اما میزان کاهش سرمایه گذاری خصوصی بسیار محسوس است و با توجه به سهم بالای سرمایه گذاری بخش خصوصی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، دلیل عمده کاهش سرمایه گذاری کل به این بخش مربوط می شود. معاونت بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران نیز در گزارشی با عنوان «موتور خاموش سرمایه گذاری» نوشته است: سرمایه گذاری کل اسمی در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۸۳ حدود ۱۱ برابر شده است که شامل ۱۳ برابر شدن سرمایه گذاری اسمی در حوزه ساختمان و ۹ برابر شدن سرمایه گذاری در حوزه ماشین آلات است. اما سرمایه گذاری واقعی در سال ۱۳۹۸ به ۹۸ هزار میلیارد تومان رسیده که کمترین میزان سرمایه گذاری در ۱۵ سال اخیر است. روند کاهشی سرمایه گذاری بخش خصوصی از ۱۳۹۱ آغاز شده است. در این سال سرمایه گذاری بخش خصوصی ۱۲۶ هزار میلیارد تومان بوده که به ۷۶ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ سقوط کرده است. رشد عمومی منفی سرمایه گذاری در دهه ۱۳۹۰ همزمان با تحریم (۴ سال) و بعد از آن (۲ سال) را تجربه کرده ایم. فقط در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ سرمایه گذاری رشد قیمت داشته است. در حالی که در دوره اجرای برنامه سوم توسعه رشد ۱۰ درصدی در سرمایه گذاری داشتیم در دهه ۱۳۹۰ به رشد منفی رسیده ایم. در سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ به طور متوسط شاهد رشد منفی ۴/۲

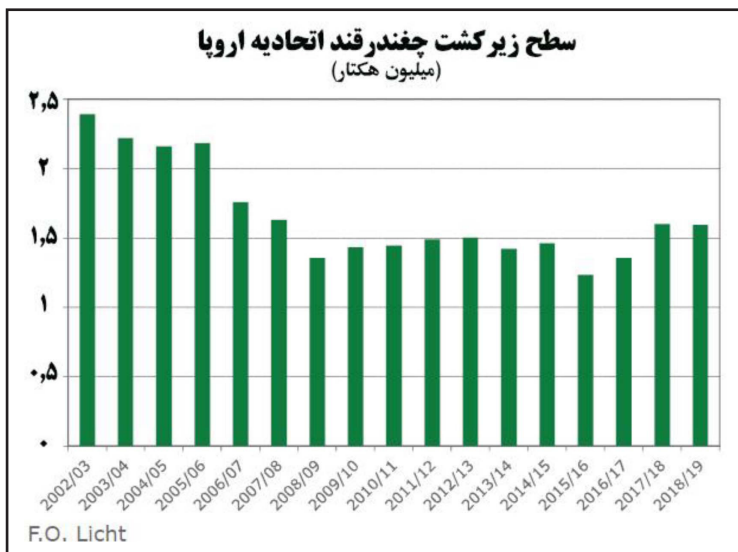


آیا آینده کشت چغندر قند اتحادیه اروپا در مخاطره است؟

نشریه بین المللی شکر و شیرین کننده ها (F.O.LICHT 'S)



فرانسوی با عدم اطمینان به اتحادیه اروپا و خصومت با دولت نسبت به مصرف بعضی از آفت کش ها، مذاکرات تجارت آزاد در مقیاس وسیع و دفاع غیر قابل قبول از روغن پالم بر علیه تولیدکنندگان سوخت زیستی محلی مواجه بوده اند. این گروه در سال ۲۰۱۶، حداقل قیمت هر تن چغندر قند (به علاوه تفاله) را برای برداشت سال های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ کشاورزان عضو را معادل ۲۷ یورو اعلام کرده بود و عنوان شد که در صورت بهبود شرایط بازار، امکان افزایش پرداخت وجود خواهد داشت. پیش از این شرکت تروس به عنوان رقیب فرانسوی، قیمت خرید هر تن چغندر قند دوره زراعی ۱۹-۲۰۱۸ را معادل ۲۵ یورو اعلام کرده بود. با این حال، نشانه های دیگری از نگرانی همچنان مشاهده می شود. این شرکت برای توسعه بازار خارجی خود، واگذاری بخشی از سهام خود به یک شرکت بین المللی را در دست بررسی دارد. الکسیس دیووال، رییس هیأت مدیره این شرکت اعلام کرد: ضرورتی ندارد که این شریک جدید حتماً از فرانسه یا الزاماً از سایر شرکت های تولیدکننده شکر باشد. شروع همکاری این شرکت با سرمایه گذاران خارجی و چالش های پیش رو به مذاق بعضی از شرکا خوش نیامد. این نارضایتی زمانی آشکار شد که ۷۰ نفر از اعضای منتخب هیأت نظارتی شرکت در اعتراض به سیاست های شرکت استعفا دادند. در مقابل تروس، سه نفر از اعضا را اخراج نمود و اظهار داشت که آنها به منافع شرکت آسیب می رسانند. کارخانجات شکر در آلمان (دومین تولیدکننده بزرگ شکر اتحادیه اروپا)، مدل های مختلفی از قیمت ها را به چغندر قندکاران خود پیشنهاد داده بودند. تمایز اصلی مدل های پیشنهادی در وجود یا عدم وجود یک حداقل قیمت پایه بود. به نظر می رسد که بیشتر کشاورزان پیشنهاد قیمت های متغیر را انتخاب کرده اند. بنابراین وضعیت در آلمان به طور کلی با بقیه متفاوت است.



با این وجود بحران کنونی در بازار، توافقات را تحت فشار قرار می دهد. در حالی که این شرایط توسط رهبران بازار پذیرفته شده است لیکن تاکنون هیچ اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است. هر دو شرکت به این نتیجه رسیدند که ممارست در پرداخت های چند مرحله ای باعث تخریب بازار می شود. نهایتاً هر دو شرکت بدون اشاره به جزییات و راهکارهای لازم، به دنبال بهینه سازی بیشتر هزینه ها هستند. در انگلستان

موج اخیر گرما در اروپا، باعث افزایش سریع قیمت بسیاری از محصولات کشاورزی اتحادیه اروپا شده است. تاکنون فقط شکر از این وضعیت مستثنی بوده است. آیا می توان انتظار داشت که تداوم این وضعیت، باعث ایجاد تغییرات وسیع در سطح الگوی کشت کشاورزان شده و نشانه ای برای خروج بازار کساد سال ۲۰۱۹ باشد؟

تغییر روند قیمت ها

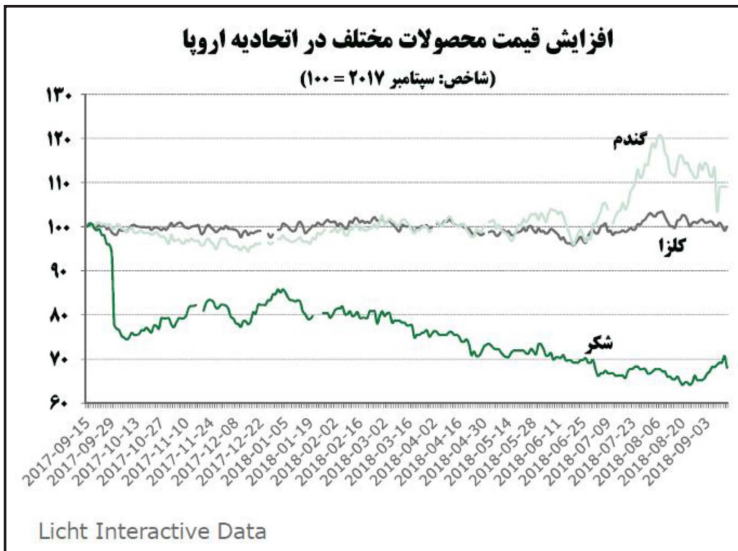
در خلال ماه های ژوئیه و آگوست، بیشتر مناطق اروپا با گرمای غیرعادی و ۰/۵ تا ۴ درجه سانتیگراد بالاتر از میانگین معمول مواجه بودند. فرانسه، کشورهای حوزه بنلوکس، آلمان، جنوب بریتانیا، اسکاندیناوی، کشورهای حوزه بالتیک، لهستان، جمهوری چک و اسلواکی، بالاترین گرمای نامتعارف (بیش از ۲ درجه سانتیگراد) را شاهد بودند. در خلال این ماه ها، شرایط خشکسالی در جنوب انگلستان، کشورهای بنلوکس، آلمان، دانمارک، سوئد، غرب لهستان و جمهوری چک ادامه داشت. این شرایط سبب کوتاه شدن فصل رشد و کاهش بیشتر تولید محصولات تابستانه این مناطق (عمدتاً ذرت علوفه ای، ذرت خوراکی، چغندر قند و سیب زمینی) شد. بر اساس گزارش ماه آگوست واحد نظارت محصولات مؤسسه MARS اتحادیه اروپا، پیش بینی شده است که عمده ترین دلیل تداوم شرایط استثنایی خشک یا گرم در اروپای شمالی و مرکزی، محصولات زمستانه و غلات بهار با کاهش تولید مواجه باشند (گندم ۲/۱ درصد، جو بهار ۱/۵ درصد، چاودار ۳/۲ درصد و تریتی کاله ۱/۵ درصد) پیش بینی های فعلی در حوزه اتحادیه اروپا برای تولید گندم، جو و چاودار، پایین تر از میانگین ۵ ساله می باشد که برای گندم ۴/۵- درصد، جو بهار ۴/۳- درصد و چاودار ۱۴- درصد کاهش تولید منظور شده است. پیش بینی میزان تولید برای ذرت خوراکی، روند کاهشی با شیب ملایم را نشان می دهد ولی روی هم رفته از میانگین تولید ۵ ساله بالاتر است. کاهش شدید تولید این محصول در اروپای مرکزی و فرانسه با افزایش قابل توجه تولید در جنوب شرق اروپا (خصوصاً در رومانی و بلغارستان به جهت مطلوب بودن شرایط آب و هوایی) جبران گردیده است. در مورد چغندر قند و سیب زمینی که در جنوب شرق اروپا کمتر کاشت می شوند، سطح تولید به ترتیب ۵/۲- درصد و ۶/۶- درصد کاهش داشته است. برآورد فعلی تولید این دو محصول در اتحادیه اروپا، پایین تر از میانگین ۵ ساله آنها است. پیش بینی میزان تولید ذرت علوفه ای نیز، نشان دهنده کاهش حتی بیش از ۱۰ درصدی تولید نسبت به میانگین ۵ ساله می باشد. جای تعجب نداشت که این شرایط غیرعادی آب و هوایی، تأثیرات سریع بر روی قیمت ها را به همراه داشته باشد. قیمت کلزا در فاصله ماه های ژوئن و آگوست، ۹ درصد افزایش یافت، لیکن در ماه سپتامبر اندکی کاهش مواجه بود. قیمت ذرت در طی همین مدت، ۲۰ درصد و قیمت گندم حتی تا ۳۵ درصد افزایش یافت لیکن در اواخر آگوست تا حدودی به حالت اولیه برگشت. شکر تنها محصول عمده بخش کشاورزی بود که علیرغم این اوج گیری قیمت ها، روند نزولی داشت. بازار این محصول به علت تولید فراوان تحت فشار و در حالت رکود قرار گرفته است.

تلاش شرکت های شکر برای اجتناب از ضرر و ریسک

روند کاهش قیمت شکر در بازار اتحادیه اروپا در تابستان ۲۰۱۷ شروع و بیشترین کاهش را در پاییز همان سال شاهد بود. در آگوست ۲۰۱۸، قیمت ها به پایین ترین سطح خود، یعنی ۳۲۰ یورو میزان به ازای هر تن شکر تحویلی رسید. کریستال یونیون اولین شرکتی بود که به این وضعیت عکس العمل نشان داد و در اوایل تابستان اعلام کرد که حداقل قیمت خرید چغندر قند دوره زراعی ۱۹-۲۰۱۸ را لغو کرد. علت اصلی این اقدام، انتظار کاهش کند بیشتر قیمت ها در ماه های آتی بود. این شرکت اعلام کرد تولیدکنندگان



همچنین، کشاورزان ادعا می‌کنند که مفاد بخشنامه تحریم شامل چغندر قند نمی‌باشد. تصمیم کمیسیون اتحادیه اروپا بر اساس تحقیقی توسط امور سلامت غذایی اروپا (EFSA) ارایه شده بود. در این تحقیق سه مسأله مربوط به تأثیر و آلودگی سموم روی زنبورهای عسل بررسی شده بود که شامل بقایای سموم در گرده و شهد، انتشار سموم ضد عفونی در خلال کاشت بذور ضد عفونی شده و آلودگی آب مصرفی می‌شود. هیچ کدام از این مسائل در مورد چغندر قند کاربرد ندارند. ماده مؤثر سموم مورد نظر در سطح بذر و روی پوسته محافظ آن پاشیده شده و بعد داخل خاک قرار می‌گیرند. زنبورها هیچگاه در معرض تماس با سموم قرار نمی‌گیرند زیرا چغندر قند گلدهی ندارد.



مصوبه اتحادیه اروپا بیانگر آنست که عرضه و فروش به نوع ماده ضد عفونی کننده نئونیکوتینوئیدی بذور تا اواسط ماه سپتامبر متوقف خواهد شد و آخرین تاریخ مصرف این سموم روی بذور نیز ۱۹ دسامبر تعیین شده است. با این وضعیت، محصول چغندر قند سال بعد در معرض تهدید بیشتر آلوده شدن به ویروس زرد چغندر خواهد بود. علیرغم تولید چند واریته مقاوم توسط کارشناسان اصلاح نژاد، محققان اظهار می‌دارند که این بذور حداقل تا ۵ سال دیگر قابل دسترس نخواهند بود. در حال حاضر به نظر می‌رسد که نظارت بهتر و بهبود مسائل بهداشتی مزرعه، تنها انتخاب کشاورزان برای پیشگیری و کنترل آفات و بیماری‌ها باشد.

در عین حال، انتقاد تولیدکنندگان چغندر قند در بخش‌های شمال غرب اروپا از پرداخت‌های به اصطلاح داوطلبانه حمایتی به کشاورزان در اروپای شرقی و جنوبی، در حال افزایش است.

در سال ۲۰۱۵، مبلغ ۱۷۰ میلیون یورو به کشاورزان چغندر کار در ۱۱ کشور پرداخت شد و ۳۸۰ هزار هکتار از مزارع را زیر پوشش قرار داد. بیشترین مبلغ پرداختی در رومانی (۷۸۴ یورو برای هر هکتار)، مجارستان (۵۲۲ یورو برای هر هکتار) و لهستان (۵۰۲ یورو برای هر هکتار) بود. بروکسل، مبلغ پرداخت سالانه تا سال ۲۰۲۰ را حداکثر ۱۷۹ میلیون یورو و برای ۵۱۶ هزار هکتار محدود نموده است.

کشاورزان در فرانسه، آلمان، کشورهای بلوکس، انگلستان، دانمارک و سوئد، این کمک‌ها را دریافت نمی‌کنند. به عقیده آنها این اقدام بازار را تخریب نموده و بازسازی این صنعت را به تأخیر می‌اندازد. این عقیده با نتایج تحقیقات انجام شده در دانشگاه واخینگن (هلند) در دسامبر ۲۰۱۷ همسو بود. نویسندگان این مقاله به این نتیجه رسیدند که این یارانه‌ها باعث افزایش تولید چغندر و کاهش قیمت‌ها می‌شود.

دورنما

وضع تولیدکنندگان چغندر قند اتحادیه اروپا به سرعت در حال وخیم شدن است. قیمت محصول آنها به‌طور بی‌سابقه‌ای به پایین‌ترین سطح خود رسیده و به نظر نمی‌رسد شرایط بهتری در این زمینه به وجود آید. بسیاری از آنها گرفتار قراردادهای چند ساله شده‌اند به طوری که قادر نخواهند بود از منافع افزایش قیمت سایر محصولات (مانند گندم یا کلزا) استفاده نمایند.

این باعث نارضایتی و ناامیدی بیشتر آنها در مسیر فعالیتشان خواهد شد. ممکن است این وضعیت به نقطه حساسی برسد که از جنبه سیاسی و اجتماعی تحت کنترل نباشد و چغندر قند موقعیت ویژه خود را در جایگاه کشاورزی اروپا از دست بدهد. اگرچه احتمال نمی‌رود این اتفاق قبل از سال ۲۰۲۰ به وجود آید.

در این ایام سخت، کارخانجات چغندر قندی برای حفظ و نگهداری کشاورزان خود با چالش بزرگ مواجه خواهند بود. به نفع آنهاست که روابط پایدار و بلندمدت برقرار نمایند. در غیر این صورت، سرمایه‌گذاری آنها برای تولید در معرض خطر خواهد بود. پیش‌بینی می‌شود بسیاری از عواملی که در حال حاضر این بخش را تحت فشار قرار داده‌اند، در طول دو سال آینده این وضعیت را به شدت سخت‌تر کنند.

نیز عکس‌العمل‌های مشابهی از سوی شرکت شکر AB (به عنوان لیدر بازار) شنیده می‌شود. تنها تولیدکننده شکر چغندری این کشور در حال آماده شدن برای شروع یک سال کاری دیگر با قیمت‌ها پایین‌تر و نتایج پایین‌تر از حد معمول است. شرکت برای رسیدن به این هدف، قیمت چغندر قند را برای سال ۲۰۱۹ تا ۹ درصد کاهش داده و رقم ۲۰/۲۴۲ پوند را برای هر تن چغندر قند قیمت گذاری کرد.

آیا تعداد زیادی از کشاورزان در سال ۲۰۱۹ از کشت چغندر قند منصرف خواهند شد؟

با توجه به اینکه قیمت اخیر غلات با تأخیر زیاد اعلام گردید این اقدام تأثیر چندانی بر تصمیم‌گیری برای الگوی کشت سال ۱۹-۲۰۱۸ نداشت لیکن با وجود این، قیمت‌های مذکور نقش مهمی در تصمیم‌گیری کشاورزان برای الگوی کشت ۲۰۱۹ خواهند داشت. البته هر تصمیمی در این رابطه نمی‌تواند کاملاً بر اساس مقایسه قیمت‌های محصولات مختلف صورت گیرد، حتی اگر وزن قابل توجهی داشته باشند.

مهم‌ترین عامل در این رابطه، انعقاد قراردادهای چند ساله بین کشاورزان و تولیدکنندگان شکر به منظور تمهیدات مقدماتی لغو قانون سهمیه‌بندی شکر در اکتبر ۲۰۱۷ بود. این قراردادها مانع هر نوع عکس‌العمل سریع توسط کشاورزان شده است. باتوجه به سطح درآمد ناچیزی که در حال حاضر عاید کشاورزان چغندر کار می‌شود و دورنمای عدم تغییر این وضعیت در سال ۱۹-۲۰۱۸، بسیاری از مسئولان را وادار خواهد کرد تا در قراردادهای مربوطه تجدیدنظر نمایند. در این رابطه، شواهد موجود نشان‌دهنده این است که حداقل در آلمان، ۷۰ تا ۸۰ درصد قراردادهای چغندری برای سال ۲۰۱۹ منعقد گردیده است. در نتیجه، گروه‌های شکر رغبت کمتری برای حمایت از پیشنهادات قیمتی بالای خود نسبت به مقادیر باقی مانده دارند. بعلاوه نایبستی فراموش کرد که با وجود اینکه اکثر قراردادهای تحویل براساس عرف بازار منعقد شده‌اند، احتمالاً تمام تولیدکنندگان شکر در سال ۱۹-۲۰۱۸ دچار خسارت خواهند شد. این بدان معنی است که قیمت‌های پرداختی برای چغندر قند در مقایسه با قیمت‌های شکر وارد شده به بازار نوسان دارد.

اکنون موضوع سؤال برانگیز این است که بسیاری از کشاورزان امسال وارد قرارداد سه ساله خود خواهند شد. اگر این مطلب صحت داشته باشد ممکن است تغییرات عمده‌ای را در سال ۲۰۲۰ شاهد باشیم که مذاکرات آن در اوایل سال ۲۰۱۹ آغاز خواهد شد. در هر صورت بسیاری از انجمن‌های کشاورزان معتقدند که قیمت چغندر قند در فصل جاری بیش از ۲۷ یورو برای هر تن نخواهد بود. این سطح قیمتی حتی پایین‌تر از قیمت ۲۸ تا ۳۲ یورویی می‌باشد که برای بیشتر قراردادهای چغندری در سال ۱۸-۲۰۱۷ پرداخت می‌شود. تاکنون عقیده بر این بود که چغندر قند، یک محصول رقابتی در حوزه کشاورزی است زیرا نقش مهمی در تناوب زراعی دارد. صحت این مطلب هنوز هم مورد پذیرش است. هر چند پایین بودن قیمت محصولات جایگزین در سال ۱۸-۲۰۱۷ باعث ایجاد زمینه مطلوب برای جایگزینی و تناوب محصولات زراعی گردید اما این وضعیت نمی‌تواند در فصل ۲۰۱۹ تداوم پیدا کند. بنابراین تصمیم‌گیری برای کشت سال آینده بسیار مشکل خواهد بود. لذا این مسأله کارخانجات شکر را نگران می‌کند که آیا قادر خواهند بود چغندر کافی برای فعالیت در سطح مطلوب کارخانجات خود را تأمین نمایند یا خیر؟

سایر عوامل قابل بررسی

در اوایل امسال، اتحادیه اروپا ممنوعیت مصرف آفت‌کش‌های نئونیکوتینوئیدی را در دستور کار قرار داد، چراکه این مواد برای حشرات گرده‌افشان ایجاد تهدید می‌کردند. این تصمیم هر چند مورد استقبال طرفداران محیط زیست قرار گرفت لیکن انتقاد مؤسسات کشاورزی را نیز به همراه داشت زیرا آنها نگران خسارت اقتصادی خود از محل آفات بودند.

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳، یک مهلت قانونی را برای عدم مصرف سه نوع آفت‌کش نئونیکوتینوئیدی صادر کرد و مصرف آنها را در محصولات گلدار (به جهت استفاده زنبورهای عسل و سایر حشرات گرده‌افشان) ممنوع نمود. در واقع پوسته بذور با این آفت‌کش‌ها آغشته شده و آنها را از آفت‌های حاکی محافظت می‌نمایند. هنگامی که بذور جوانه می‌زنند، آفت کش جذب شده و در سراسر بافت‌ها منتشر می‌شوند. نهایتاً به گرده و شهد می‌رسد و بدین طریق حشرات گرده‌افشان آلوده می‌شوند. تحقیقات آزمایشگاهی زیادی خسارت این مواد را به حشرات گرده افشان نشان داده‌اند.

کشاورزان چغندر کار به دو دلیل ممنوعیت این سموم را مورد انتقاد قرار داده‌اند: آنها مدعی هستند که هیچ‌گونه جایگزین پایداری در گروه نئونیکوتینوئید وجود ندارند و حذف این گروه از سموم از بازار مصرف، به تولید محصول آنها خسارت می‌زند، علاوه بر این، طبق بیانیه کنفدراسیون بین‌المللی تولیدکنندگان چغندر قند اروپا در بروکسل، در صورت حذف مواد ضد عفونی کننده بذور، کشاورزان از آفت‌کش‌های به روش سمپاشی و محلول‌پاشی استفاده خواهند نمود که آسیب بیشتری به حشرات گرده‌افشان می‌رسانند. این بیانیه هشدار داد؛ کشاورزانی که قادر به سمپاشی نباشند ممکن است نتوانند به فعالیت کشاورزی خود ادامه دهند.



تصمیم ضد تولید و حامی واردات و صمت



از واردات شکر تأکید کرد: وزیر صمت چندی قبل اعلام کرده که نرخ گذاری دستوری برای کالاهای تولیدی که یارانه یا تسهیلات خاصی نمی گیرند نباید انجام شود و با توجه به اینکه دولت تسهیلات خاص و یارانه ای برای تولید شکر پرداخت نمی کند و از سویی تمامی نهاده های مورد نیاز از کشت چغندر تا تولید شکر از قبیل کود، سموم، بذور، قطعات و لوازم خط تولید و مواد شیمیایی با استفاده از ارز آزاد و نیمایی تهیه می شود بنابراین، این کالا نیز از شمول قیمت گذاری دستوری خارج است.

دانایی با بیان اینکه سال گذشته سیل خوزستان بیش از ۶ هزار میلیارد تومان به کارخانجات نیشکر خسارت وارد کرد و حجم گسترده ای از نیشکر تولیدی را از بین برد، گفت: دولت حتی یک ریال تسهیلات برای بازسازی این کارخانجات و جبران خسارت تولیدکنندگان پرداخت نکرده است. بنابراین نمی تواند ادعایی در این زمینه داشته باشد. وی تصریح کرد: تأخیر در اصلاح قیمت چغندر قند و فروش شکر وارداتی به دو برابر نرخ تولید داخل حمایت واضح و شفاف از واردات و بسترسازی کامل برای این امر است.

دانایی با اشاره به اینکه تنها ۱۰ تا ۱۲ کارخانه تولید قند و شکر خصوصی و باقی عمدتاً وابسته به نهادهای عمومی و دولتی هستند، تصریح کرد: نمی شود ۴ نفر پشت درهای بسته برای ۳۷ کارخانه تصمیم گیری کنند و انتظار داشته باشند کارخانه ها بدون چون و چرا این دستورات را اجرا کنند. وی با انتقاد شدید از عملکرد وزارت جهاد کشاورزی در این حوزه گفت: وزارت جهاد کشاورزی در یک حالت انفعالی قرار گرفته و هم اکنون که باید از بخش تولید چغندر قند و شکر که زیرمجموعه این وزارتخانه است دفاع کند جا زده و هیچ کاری انجام نمی دهد. ما طی این مدت ندیدیم که این وزارتخانه کوچک ترین حمایتی از زیرمجموعه های خود داشته باشد. دانایی با اشاره به اینکه در زمان آقای حجتی بسیار سفت و سخت از تولید حمایت می شد گفت متأسفانه در دوره فعلی شاهد هیچ گونه حمایتی از سوی وزارت جهاد کشاورزی از بخش تولید نیستیم.

دبیر انجمن کارخانجات صنفی قند و شکر از تصمیم دولت برای فروش شکر وارداتی و ذخایر دولتی به ۲ برابر قیمت تولید داخل خبر داد و گفت: این حمایت شفاف از واردات و زمینه ساز فساد در بازار شکر است. بهمن دانایی، دبیر انجمن کارخانجات صنفی قند و شکر با اشاره به افزایش قیمت شکر در بازار طی روزهای اخیر گفت: اقدامات و تصمیمات غیر کارشناسی دستگاه های دولتی، بازار شکر را متلاطم کرده است. دانایی با اشاره به اینکه تا سه هفته گذشته بازار شکر بسیار آرام و متعادل بود افزود: تصمیم دولت مبنی بر فروش شکرهای وارداتی و ذخایر دولتی با نرخ بالاتر از شکر تولید داخل این نوسانات را به وجود آورده است. تصمیم دولت مبنی بر فروش شکرهای وارداتی و ذخایر دولتی با نرخ بالاتر از شکر تولید داخل، باعث ایجاد نوسان در بازار شده است. وی توضیح داد: وزارت صمت به کارخانجات اعلام کرده که باید شکر تولیدی خود را به قیمت ۶ هزار و ۶۵۰ تومان در هر کیلوگرم تحویل شرکت بازرگانی دولتی ایران بدهند تا شرکت نیز آن را برای مصارف خانوار عرضه کند. در همین حال شکرهای وارداتی و ذخایر دولت با قیمت ۱۰ تا ۱۱ هزار تومان به صنف و صنعت عرضه خواهد شد.

دانایی با تأکید بر اینکه ما زیر بار چنین تصمیمی نرفتیم، خاطر نشان کرد: شکرهای وارداتی که حدود ۴ تا ۵ ماه قبل وارد شده است برای واردکننده کمتر از ۹ هزار تومان تمام شده است و اگر الان ثبت سفارش شده و بعد از عید واردات انجام بگیرد قیمت شکر بالای ۱۲ هزار تومان خواهد بود. وی تصریح کرد: کارخانه های قند سال ها سرمایه گذاری کرده و هر یک برای خود مشتریانی تعریف کرده اند و در برابر آنها تعهد دارند فلذا این اقدام دولت به معنای مشتری ربایی از کارخانجات و حذف تولیدکنندگان از بازار است ضمن اینکه مغایر با سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و قوانین ضد رقابتی است و در صورتی که بیش از این به ما فشار بیاورند ما به شورای رقابت شکایت می کنیم.

دولت با چند نرخ می کند، فساد ایجاد می کند

دانایی تأکید کرد: از طرف دیگر وقتی که محصولی دو یا سه نرخ شود رانت و فساد در بازار آن ایجاد خواهد شد و مشخص نیست شکری که از کارخانجات به قیمت ۶ هزار و ۶۵۰ تومان تحویل گرفته می شود به دست خانوار برسد. این احتمال وجود دارد که افرادی حواله این شکرها را دریافت کنند و آنها را با قیمت های بالاتر در بازار سیاه بفروشند. بنابراین نظر ما این است که دولت باید یک نرخ میانگین برای شکر در نظر بگیرد و شکرهای وارداتی و تولید داخل را به همان نرخ واحد عرضه کند تا مشکلی در بازار پیش نیاید. تأخیر در اصلاح قیمت چغندر قند و فروش شکر وارداتی به دو برابر نرخ تولید داخل حمایت واضح و شفاف از واردات و بسترسازی کامل برای این امر است

این فعال بخش خصوصی با اشاره به حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی

قیمت خرید تضمینی چغندر قند بهاره و پاییزه تصویب شد



در جلسه شورای قیمت گذاری محصولات اساسی کشاورزی، قیمت خرید تضمینی چغندر قند بهاره، هر کیلوگرم ۱۲۴۷ تومان و قیمت چغندر قند پاییزه، هر کیلوگرم ۱۲۰۴ تومان تصویب شد.

دومین نشست شورای قیمت گذاری و اتخاذ سیاست های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی به ریاست کاظم خاوازی وزیر جهاد کشاورزی و با حضور معاون وزیر اقتصاد و دارایی، معاون امور بازرگانی سازمان برنامه و بودجه، رئیس نظام صنفی کشاورزی، رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی کشور، رئیس بنیاد ملی گندمکاران، نماینده سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، دو نفر از کشاورزان نمونه کشور و دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، برگزار شد. در این جلسه، قیمت خرید تضمینی چغندر قند بهاره، هر کیلوگرم ۱۲۴۷ تومان و قیمت چغندر قند پاییزه، هر کیلوگرم ۱۲۰۴ تومان تصویب شد. همچنین، به دلیل کمبود زمان برای تعیین مباشر برای خرید تضمینی دانه های روغنی، شرکت بازرگانی دولتی ایران به عنوان مباشر خرید دانه های روغنی تعیین شد اما تصویب قیمت خرید تضمینی دانه های روغنی به جلسه بعدی این شورا موکول شد.

کشت چغندر در هفت هزار و ۵۰۰ هکتار زمین کشاورزی لرستان آغاز شد

معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی لرستان گفت: کشت چغندر در سطح هفت هزار و ۵۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی استان آغاز شده است و تا اواخر اردیبهشت ادامه دارد. جواد صالحیان با اعلام این خبر به رسانه ها افزود: پیش بینی شده است از این سطح ۴۰۰ هزار تن محصول برداشت شود. وی ادامه داد: وزارت جهاد کشاورزی هر سال براساس نیاز کشور، برنامه اجرایی کشت محصولات را به استان ها ابلاغ می کند که امسال سهم لرستان هفت هزار و ۵۰۰ هکتار ابلاغ شده است و کشت آن در شهرهای مختلف استان بر اساس شرایط آب و هوایی طی ۲ ماه انجام می شود. صالحیان ادامه داد: سطح زیر کشت چغندر در لرستان سال گذشته ۶ هزار و ۵۰۰ هکتار بود و ۳۵۰ هزار تن با عیار قند ۱۶.۵ درصد از این سطح برداشت شد. به گفته وی لرستان مقام پنجم کشور را در تولید این محصول دارد. ۱۵۰ هزار نفر بهره بردار بخش کشاورزی لرستان هستند و ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر از این بخش ارتزاق می کنند و ارزش افزوده سه میلیون تن محصول استان به بیش از هفت هزار میلیارد تومان می رسد که چنانچه مشکل تأمین و تخصیص آب برای این حوزه برطرف شود علاوه بر اشتغالزایی، درآمدهای اقتصادی کشاورزان نیز چندین برابر افزایش خواهد یافت.

قیمت غذا در جهان به بیشترین میزان ۷ سال گذشته افزایش یافت



غیرمنتظره و بیش از اندازه ای هم از سوی کشور چین وجود داشته است. شاخص قیمت غلات براساس اعلام فائو در ماه ژانویه به صورت نقطه ماه به ماه به رقم ۷.۱ درصد رسید که

آژانس غذایی ملل متحد اعلام کرد: شاخص قیمت غذا در جهان به بیشترین میزان از سال ۲۰۱۴ تاکنون رسید. آژانس غذایی ملل متحد اعلام کرد قیمت جهانی غذا با رشد هشتمین ماه متوالی در ماه ژانویه نیز افزایش یافت و به بیشترین رقم از ماه جولای ۲۰۱۴ تاکنون رسید در این میان غلات، شکر و دانه های روغنی پیشتر از قیمت بودند. براساس شاخص قیمت غذایی سازمان کشاورزی و غذا که ماهانه تغییرات سبکی از غلات، دانه های روغنی، محصولات لبنی، گوشت و شکر را برآورد می کند، به رقم ۱۱۳.۳ واحد در ماه گذشته رسید که این رقم در ماه پیش از آن ۱۰۸.۶ بود. فائو در بیانیه ای اعلام کرد که برداشت غلات در جهان در سال ۲۰۲۰ به رکورد تاریخی رسیده اما هشدار داد که کاهش شدیدی در ذخایر ایجاد شده و نیز واردات



افزایش ضریب خوداتکایی با اصلاح نرخ خرید تضمینی محصولات استراتژیک



تشکیل شورای قیمت‌گذاری محصولات استراتژیک و اصلاح قیمت‌های خرید تضمینی که مورد رضایت کشاورزان نبود منجر به افزایش تولید محصولات استراتژیک و جلوگیری از خروج ارز از کشور خواهد شد. به دنبال تخلفات دولت در اجرای قانون خرید تضمینی محصولات کشاورزی، مجلس شورای اسلامی قانون اصلاح خرید تضمینی محصولات اساسی را به تصویب رساند تا بتواند مانع تخلفات دولت در تعیین نرخ شود. در همین زمینه، سید جواد ساداتی‌نژاد، رئیس کمیسیون کشاورزی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با اشاره به اینکه یکی از مهم‌ترین کارهایی که طی سال‌های اخیر در حوزه کشاورزی انجام گرفت، اصلاح قانون خرید تضمینی محصولات استراتژیک بوده است، گفت: خوشبختانه ما موفق شدیم این قانون را اصلاح کنیم. وی با بیان اینکه قبلاً شورای اقتصاد قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی را بدون دخالت کشاورز که مالک کالا است، تعیین می‌کرد، اظهار داشت: متأسفانه این مسأله باعث شده بود کشاورزان رغبتی به کشت نداشته باشند و دو برابر هزینه تولید را دولت‌ها صرف واردات می‌کردند اما حاضر نبودند نصف مبلغ واردات را به تولید داخل بدهند.

رئیس کمیسیون کشاورزی با اشاره به ابلاغ این قانون گفت: بر این اساس، شورایی متشکل از ۹ نفر، ۳ نفر از دولت، ۳ نفر از تشکل‌های بخش کشاورزی و ۳ کشاورز قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی را تعیین خواهد کرد ضمن اینکه ۲ ناظر از مجلس نیز بر کار شورا نظارت دارند اما حق رأی ندارند.

تشکیل شورای قیمت‌گذاری دو ماه بعد از ابلاغ قانون و اصلاح نرخ چغندر قند

در حالی که این قانون ۱۲ آذرماه امسال از سوی دولت ابلاغ شد، حدود دو ماه زمان برد تا وزارت جهاد کشاورزی اقدام به تشکیل شورای قیمت‌گذاری کند که این تأخیر وزارت جهاد در تشکیل این شورا انتقادات زیادی را به دنبال داشت. این شورا سرانجام هفته گذشته اول جلسه خود را بدون بازنگری در قیمت محصولات برگزار کرد اما روز دوشنبه گذشته در دومین جلسه این شورا، قیمت خرید تضمینی چغندر قند که پیش از این شورای اقتصاد آن را تعیین کرده بود و قیمت عادلانه‌ای نبود، اصلاح شد.

اصلاح قیمت چغندر، میزان تولید را افزایش می‌دهد

بر این اساس، قیمت خرید تضمینی چغندر قند بهاره، هر کیلوگرم ۱،۲۴۷ تومان و قیمت چغندر قند پاییزه، هر کیلوگرم ۱،۲۰۴ تومان تصویب شد. قیمتی که به گفته فعالان بخش خصوصی می‌تواند منجر به افزایش انگیزه کشاورزان و در نتیجه رشد تولید شود. قبلاً شورای اقتصاد قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی را بدون دخالت کشاورز که مالک کالا است، تعیین می‌کرد و این مسأله باعث شده بود کشاورزان رغبتی به کشت نداشته باشند ضمن اینکه دولت‌ها دو برابر هزینه تولید را صرف واردات می‌کردند اما حاضر نبودند نصف مبلغ واردات را به تولید داخل بدهند.

پیش از این بهمن دانایی، دبیر انجمن کارخانجات قند و شکر گفته بود: با توجه به اینکه قیمت شکر وارداتی افزایش پیدا کرده اگر دولت این نرخ را برای چغندر قند در نظر بگیرد و زودتر آن را اعلام کند ما در سال آینده بیش

۱۱ هزار هکتار زمین کشاورزی در کرمانشاه زیر کشت چغندر قند بهاره می‌رود



مدیر زراعت سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه با اشاره به اینکه امسال ۱۱ هزار هکتار زمین کشاورزی استان زیر کشت چغندر قند بهاره می‌رود، گفت: پیش‌بینی می‌شود از این سطح ۷۰۰ هزار تن چغندر قند تولید و توسط کارخانه‌های قند خریداری شود.

محمدسعید هوشیار در جلسه هماهنگی برنامه‌ریزی کشت بهاره چغندر قند با حضور نمایندگان کارخانه‌های قند داخل و خارج استان، سطح زیر کشت چغندر قند بهاره سال زراعی گذشته را ۱۰ هزار و ۲۰۰ هکتار اعلام کرد و افزود: از این سطح ۶۸۲ هزار تن چغندر قند تولید و تحویل کارخانه‌های قند شد. وی سپس به کشت چغندر قند پاییزه در استان اشاره کرد و گفت: سال زراعی گذشته ۳۹۰ هزار هکتار چغندر قند پاییزه در مناطق گرمسیری استان کشت شد و از این سطح ۲۰ هزار تن محصول تولید گردید. او اظهار داشت: امسال هزار و ۱۵۰ هکتار چغندر قند پاییزه در مناطق گرمسیری استان کشت شده که نشان از افزایش سه برابری سطح زیر کشت دارد و پیش‌بینی می‌کنیم تولید چغندر قند پاییزه استان به حدود ۶۰ هزار تن برسد. گفتنی است در این جلسه که با حضور نمایندگان کارخانه‌های قند برگزار شد تصمیماتی در خصوص برنامه‌ریزی لازم به منظور عقد قرارداد با کشاورزان، تعیین سطوح کشت و مسائل اجرایی کار اتخاذ و مصوب گردید. بر اساس اعلام سازمان جهاد کشاورزی کرمانشاه این استان ۹۴۶ هزار و ۸۷۱ هکتار زمین کشاورزی آبی و دیم دارد که سالانه بیش از چهار میلیون و ۶۰۰ هزار تن محصولات کشاورزی از آن برداشت می‌شود. استان کرمانشاه اکنون ۲ کارخانه قند فعال شامل بیستون و اسلام‌آباد غرب دارد و مجوز سومین کارخانه قند کرمانشاه نیز در حال طی کردن مراحل صدور است.

از ۷ میلیون تن چغندر قند در کشور تولید می‌کنیم. در سال ۹۶ نیز کشور در زمینه تولید شکر در آستانه خودکفایی قرار گرفت و آن سال ۲ میلیون تن شکر در کشور تولید شد ضمن اینکه نیاز کشور حدوداً ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن است اما در سال ۹۷ تعلق دولت در اعلام قیمت خرید تضمینی مناسب باعث شد که تولید چغندر قند از ۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تن در سال ۹۶ به سه میلیون و ۸۰۰ هزار تن در سال ۹۸ برسد و به همین نسبت نیز تولید شکر کاهش چشمگیری یافت. این اقدام دولت منجر به افزایش واردات شکر و جایگزینی صیفی جات به جای چغندر قند شد و مشکلات زیادی را به وجود آورد.

سیاست‌های غلط منجر به جایگزینی کشت صیفی جات با محصولات استراتژیک و خروج ارز از کشور شد

در همین زمینه، اسفندماه سال گذشته دبیر انجمن کارخانجات قند و شکر در گفت‌وگو با خبرنگار مهر از این سیاست دولت به شدت انتقاد کرده و گفته بود: به دلیل پایین بودن نرخ خرید تضمینی و رقابتی نبودن تولید چغندر قند نسبت به برخی محصولات سبزی و صیفی، کشاورزان به کشت خربزه، هندوانه، خیار و گوجه فرنگی روی آوردند و کشت این محصولات آنقدر زیاد شد که دولت مجبور به خرید توافقی آنها شد و منابع مالی بسیاری زیادی را برای خرید این محصولات در نظر گرفت. دانایی اضافه کرده بود: علاوه بر این حدود ۲۰۰ میلیون دلار نیز صرف واردات شکر بمنظور جبران کاهش کسری تولید شکر شد بنابراین دولت هم به صورت ریالی و هم به صورت ارزی زیان کرد ضمن اینکه کشت چغندر قند در تناوب زراعی نیز اهمیت بسزایی دارد و موجب احیای اراضی کشاورزی می‌شود. کارشناسان و فعالان بخش خصوصی اصلاح قیمت چغندر قند را اتفاق مطلوبی در جهت افزایش انگیزه کشاورزان و توسعه کشت چغندر قند می‌دانند و به نظر می‌رسد اصلاح قیمت‌های خرید تضمینی، تحولی بزرگ در تولیدات محصولات استراتژیک ایجاد می‌کند و منجر به افزایش تولید و رشد ضریب خوداتکایی در این حوزه می‌شود که با توجه به شرایط تحریم و جنگ اقتصادی که کشور در آن قرار گرفته، اتفاق بسیار خوبی است و نوید شکوفایی در بخش کشاورزی و به دنبال آن در اقتصاد بدون نفت را به دنبال دارد.

نشان می‌دهد که کشورهای جهان به مسأله تأمین امنیت غذایی به ویژه در زمان شیوع بیماری کووید-۱۹ بسیار حساس هستند. نکته دیگر اینکه به همان نسبت که به افزایش ذخایر خود تلاش کنند برنامه‌های گسترده‌ای برای افزایش تولیدات کشاورزی خود دارند به طوری که روسیه تولید غلات و گندم خود را چند برابر کرده است. صندوق بین‌المللی پول هم در گزارش اخیر خود به سرمایه‌گذاری روی بخش کشاورزی تأکید کرده و به کشور چین توصیه کرده اگر می‌خواهد رشد اقتصادی پایداری در سال آینده داشته باشد باید روی بخش کشاورزی بیشتر سرمایه‌گذاری کند.

درصد رشد کرد که این مسأله با افزایش واردات از سوی چین در آستانه تعطیلات سال نوی این کشور اتفاق افتاد. شاخص قیمت گوشت هم رشد یک درصدی را ثبت کرد که در این میان واردات مرغ به ویژه از برزیل و نیز شیوع بیماری آنفلوآنزای حاد پرندگان که صادرات را تحت فشار قرار داده بود به افزایش قیمت منجر شد. سازمان خواروبار جهانی فائو پیش‌بینی کرده تجارت جهانی غلات در سال ۲۰۲۰/۲۱ به میزان ۱۰.۶ میلیون تن افزایش یافته و به ۴۶۵.۲ میلیون تن برسد که افزایش ۵.۷ درصدی نسبت به سال قبل خواهد داشت. همچنین پیش‌بینی شده است که تجارت در همه اقلام غلات نظیر گندم، جو، ذرت در سال جاری افزایش یابد. افزایش قیمت گندم علیرغم افزایش جهانی تولید و نیز افزایش واردات محصولات استراتژیک از سوی برخی کشورها نظیر چین و همچنین دو برابر کردن عوارض صادراتی محصولات کشاورزی از سوی روسیه

در این میان ذرت بیشترین تأثیر را در افزایش قیمت جهانی غلات داشت. قیمت ذرت با ۱۱.۳ درصد افزایش در یک ماه به ۴۲.۳ درصد بالاتر از رقم سال گذشته رسید که در این میان چین بیشترین واردات را داشت. قیمت گندم ۶.۸ درصد افزایش یافت که بیشتر به دلیل افزایش تقاضا و انتظاراتی که برای کاهش خرید از روسیه به دلیل اعمال عوارض صادراتی این کشور داشتند ایجاد شد. روسیه در ماه مارس عوارض صادرات محصولات کشاورزی خود را دو برابر کرد. بر اساس این گزارش قیمت شکر ۸.۱ درصد افزایش یافت و نگرانی‌هایی درباره وخیم شدن چشم‌انداز این محصول در اتحادیه اروپا، روسیه، تایلند و امریکای جنوبی ایجاد کرد.

شاخص دانه‌های روغنی هم ۵.۸ درصد رشد کرد و به بیشترین رقم از ماه می ۲۰۱۲ تاکنون رسید. افزایش قیمت سویا با کاهش فرصت‌های صادراتی و ادامه‌دار شدن تنش‌ها در آرژانتین ایجاد شد. قیمت محصولات لبنی نیز ۱.۶



اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹؛ کرونا، تحریم و تورم



آرش حسن نیا | روزنامه نگار

می گویند «سالی که نکوست از بهارش بیداست» و بهار ۹۹ سیاه بهاری بود برای اقتصاد ایران که یک دست در مبارزه با همه گیری کرونا داشت و دست دیگر در «مقاومت در برابر تحریم».

در همان بهار بود که مرکز پژوهش های مجلس با انتشار گزارشی پیش بینی کرد که کووید ۱۹ می تواند از بین رفتن تا شش میلیون شغل را به دنبال داشته باشد، آمار نرخ بیکاری فصل بهار که منتشر شد معلوم شد نرخ بیکاری تکرر کمی شده است هر چند که کاهش نرخ بیکاری بهار ۹۹، همچون حال و هوای سلامت مردم و همه گیری ویروس کرونا، حال و هوایی مساعد نبود.

کاهش نرخ بیکاری بهار از سر کاهش نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت فعال به دست آمده بود که با کاهش ۳.۷ واحد درصدی نسبت به بهار ۹۸ به ۴۱ درصد تنزل کرده بود اما تلخ تر از همه در بازار کار بهار ۹۹، کاهش جمعیت شاغلین بود که در مقایسه با فصل مشابه سال قبل از آن، کاهش ۱.۵ میلیون نفری را به تصویر می کشید. بر اساس آمار رسمی بیش از ۷۰۰ هزار نفر برای دریافت بیمه بیکاری ثبت نام کردند اما آن طور که گزارش ها نشان می داد عدد بیکار شدگان بیماری بیش از اینها بود. نتایج گزارشی از مرکز پژوهش های مجلس اعلام می کرد که بیش از ۶۰ درصد از شاغلان فعال در مشاغل گوناگون تحت حمایت و پوشش هیچ بیمه ای نیستند و به طور طبیعی نمی توانستند متقاضی حمایتی باشند.

آتش بازی در تالار شیشه ای

اما هر قدر اقتصاد ایران با مصیبت هایی بزرگ تر دست و پنجه نرم می کرد تالار شیشه ای بورس تهران به این مصیبت ها اعتنایی نداشت، بورس همچون جزیره ای جدا افتاده از اقتصادی کمرمق، رکورد پشت رکورد جابه جا می کرد، بازدهی بورس در پایان بهار ۹۹ به ۱۴۰ درصد رسید، درست در همان بهاری که بر اساس گزارش مرکز آمار ایران نرخ رشد فصلی اقتصاد همچنان زیر صفر و در حد ۴.۴- درصد باقی مانده بود.

رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۹...

تعطیلی اصناف و مشاغل تحت تأثیر کرونا، تحمیل هزینه های ناشی از بحران فراگیری کووید-۱۹ برای دولت که تنگنای مالی ناشی از تحریم های امریکا را پیش رو داشت، قوز بالای قوز بود. منفی شدن قیمت جهانی نفت در پی کاهش تقاضای جهانی برای طلای سیاه و بسته شدن مرزهای تجارت خارجی و گسسته شدن زنجیره تأمین مواد اولیه مورد نیاز تولید هم که اقتصاد ایران را بیش از همیشه می چالاند، جلودار بورس نبودند آن قدر که برخی ناظران دل نگران از برگشتن بخت بورس با تردید این رکورد شکنی را به تماشا نشستند و هشدار می دادند که هجوم تازه واردها به این بازار می تواند مشکل آفرین شود. بورس ایران تحت تأثیر افزایش قیمت ارز، تورم عمومی، رشد نقدینگی و تورم انتظاری آتی به تاخت و تاز خود ادامه می داد و این فرصتی مناسب بود تا دولت به کسب درآمد از بورس فکر کند، بورس در جوش و خروش تقاضای نقدینگی های تازه می سوخت و این عطش با عرضه سهام دولتی در بورس آرام می گرفت با این حال دولت تمایلی به واگذاری تمام و کمال مالکیت و مدیریت سهام شرکت های در اختیارش نداشت. دولتی ها به این فکر می کردند که هم باید از این عطش و تقاضای تالار شیشه ای بهره بگیرند و هم اختیار میزها و صندلی های مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت های دولتی را حفظ کنند. عرضه تاریخی سهام ۶۸۸۰ میلیارد تومانی ۸ میلیارد سهم ابر هلدینگ شستا در گرماگر مرکز کوردشکنی های بورس، طراحی عرضه

از خرداد ۹۸ به این سو سابقه نداشت. نکته قابل ملاحظه در افزایش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات در سال ۹۹، بیش از رشد قیمت دارایی ها و کالاها سرمایه ای و اقلام مصرفی بادوام، فشار و شتاب این افزایش شاخص ها در حوزه تورم غذایی بود که اثر مهیب تری بر دهک های پایین درآمدی به جا می گذاشت. فشار افزایش قیمت خوراکی ها و آشامیدنی ها چاره ای باقی نمی گذاشت که خانوارهای دهک های پایین درآمدی از مصرف خوراکی های مغذی تر از جمله مواد پروتئینی، لبنیات و میوه و خشکبار چشم ببوشند.

تورم در نیمه دوم سال بی مهر نشان می داد و این در حالی بود که بانک مرکزی ایران برای نخستین بار در نیم قرن گذشته هدف تورمی خود را در محدوده ۲۲ درصد با نوسان دو درصد مثبت و منفی اعلام کرده بود و هر چه سال به انتها نزدیک می شد نرخ تورم از این هدف بانک مرکزی فاصله دورتری می گرفت.

گزارش رشد اقتصادی ایران در تابستان کمی غیرمنتظره بود، اقتصاد ایران توانسته بود در برخی حوزه ها و بخش ها از زیر صفر بیرون آید و راهی برای تنفس بیابد، در نهایت کارنامه کلی اقتصاد ایران همچنان منفی (۰.۲- درصد) بود اما از میزان منفی بودن کاسته شده بود و این برای اقتصادی گرفتار و وامانده در بحران های مختلفی همچون کرونا و تحریم و سوء مدیریت، موفقیت به حساب می آمد. آنچه در کارنامه تابستان اقتصاد ایران جلب توجه می کرد مثبت شدن نرخ رشد گروه صنعت بود که پس از تجربه یازده فصل متوالی رشد منفی و کوچک شدن در تابستان ۹۹ یکباره نرخ رشدی ۴.۴ درصدی را به ثبت رسانده بود.

«ت» مثل تحریم، تحدید، تهدید

با اینکه اقتصاد ایران در برابر تهدیدهای گاه و بیگاه و تحریم های چندباره مقام های امریکایی به نوعی بی حسسی رسیده بود اما با این حال همچنان این چالش دامنه دار از جمله فعال کردن مکانیسم ماشه و سایه بازگشتن تمام تحریم های بین المللی از این طریق هفته هایی متمادی و در مقاطعی از سال به یکی از عوامل نااطمینانی در اقتصاد ایران به شمار می آمد. عدم قطعیتی که سرنوشت اقتصاد ایران را به قمار انتخابات ریاست جمهوری امریکا گره زد هر چند که در نهایت با شکست دونالد ترامپ در رقابت انتخاباتی به رقیب دموکرات این قمار پایانی خوش برای اقتصاد ایران به همراه داشت که در پاییز ۹۹ می توانست به بهار پس از تحریم ها و گشایش های بیاندیشد اگرچه تحقق این رویای شیرین آسان به نظر نمی آمد و هر چه بیشتر از روز اعلام پیروزی جو بایدن و آغاز دولت دموکرات گذشت، خوش بینی ها به گشایشی زودهنگام برای اقتصاد ایران کمرنگ تر شد اگرچه اوضاع آشکارا با دوران «فشار حداکثری» تفاوت داشت.

با این حال کمبود و نارسایی در بازار کالاها مختلف در پاییز و زمستان سال ۹۹ خبر ثابت رسانه ها بود، روزی نوسان در بازار خودرو و شوک قیمتی در این بازار، روز دیگر کمبود در بازار روغن و نایاب شدن آن از قفسه فروشگاه ها یا نابسامانی در بازار مرغ و تخم مرغ و

نبود. هجوم سرمایه های خرد و سهامداران ناوارد به بازار اما نگرانی از آینده را افزایش می داد، به ویژه آنکه ارکان بازار از سخت افزار و هسته معاملاتی تا کارگزاران و سیاست گذاران داخل و خارج از بازار برای این اقبال همگانی به بازار سرمایه آماده نبودند.

بازارهای باز بی مهر

اما هم زمان با جوش و خروش در بازار زیر پل حافظ، بازار دیگری در همان حوالی نیز با داغ شدن قیمت ها رو بر بود، بازار آزاد ارز که با توجه به سرکوب قیمتی و بگیری و ببندها، بازاری نه چندان پرنوسان و جذاب بود در تابستان سال ۹۹ با نوسان هایی معنادار همراه شد.

حضور نوسان گیرها در بازار آزاد ارز و رشد پرشتاب نقدینگی در کنار تشدید تحریم ها و افزایش تنش ها بین تهران و واشنگتن، دلایل کافی برای افزایش قیمت ارز به حساب می آمدند. جالب آنکه بورس و بازار ارز به زندگی مسالمت آمیزی رسیدند و همسو با افزایش قیمت ارز، قیمت سهام اصطلاحاً دلاری نیز در بازار افزایش می یافت.

واگرایی پیشین بازارها در سال ۹۹ یا دست کم در نیمه دوم سال به همگرایی عجیبی بدل شد، شنیدن صدای هر سازی در بازار ارز رقصش در بازار سهام تماشایی بود.

دلار اواسط تابستان سال ۹۹ در محدوده قیمتی ۲۵۵۰۰ تومان نوسان می کرد و البته حتی آن محدوده بی سابقه قیمتی پایان تر کناری دلار نبود، قیمت دلار در هفته پایانی مهرماه ۹۹ تا اوج ۳۲ هزار و ۲۰۰ تومانی نیز بالا رفت و این همه برای آنها که نوسان های نرخ تورم را رصد می کردند به معنای یادآوری سال های میانه دهه ۷۰ بود که نرخ تورم رکوردی تاریخی را به ثبت رسانده بود.

پیش بینی بازگشت ارز صادراتی و تلاقی آن با نیازهای وارداتی در بازار نیمه آن طور که مقام های دولت و بانک مرکزی طراحی کرده بودند در عمل اتفاق نیفتاده بود. صادرکنندگان از بازگرداندن ارزهای خود و فروش آن در سامانه نیما با نرخی پایین تر از بازار آزاد سر باز می زدند. در عین حال تأمین ارز مورد نیاز برای واردات کالاها اساسی به نام ارز ترجیحی یا دلار ۴۲۰۰ تومانی نیز با معضلات بسیاری همراه بود، گزارش دیوان محاسبات از عملکرد این سیاست نشان می داد که انحرافی قابل توجه رخ داده و فساد و رانتی عظیم به بار آورده است، بر اساس آن گزارش تکلیف حدود ۱۵ درصد از این ارزهای اختصاص یافته روشن نبود و به ازای حدود ۵ میلیارد دلار از ارز ترجیحی هیچ کالایی به کشور وارد نشده بود.

موتور نقدینگی، کوره تورم

کمبود ارز در بازار و شوک قیمتی در این بازار، رشد کم سابقه و بدون توقف نقدینگی و برهم خوردن سامان عرضه و تأمین کالا حکم رهایی نرخ تورم و انفجار قیمت ها به حساب می آمد.

نرخ تورم ماهانه در آبان ماه ۹۹ به ۷ درصد رسید که رقمی کم سابقه به حساب می آمد که آخرین بار در مهر ۹۷ تجربه شده بود، یا نرخ تورم نقطه به نقطه بهمن ۹۹ که به ۴۸.۲ درصد رسید و



استیضاح قیمت گذاری دستوری



و نرخ فروش شکر در بازار آزاد، پیش از این بررسی شده است که با تقریب خوش بینانه، در حدود ۱۵۰۰ میلیارد تومان بوده است. وجود چنین رانتی در هر بازاری، زمینه را برای پیدایش «سلطان»ها فراهم می آورد و شاید محرکی بهتر از این برای قدرت گرفتن دلان در بازار موجود نبود.

مسیر انحطاط زنجیره تولید شکر

سیاست های اشتباه دولت در تخطی کردن از مکانیزم بازار و قیمت گذاری دستوری، به گسترش رانت و نابودی تولید دامن زده است. در این خصوص، می توان مثال های متعددی از صنایع مختلف مطرح کرد که حاصل سیاست های این چنینی، در دهه های اخیر بوده است. صنعت شکر نیز از این قاعده مستثنی نبوده اما در شرایط کنونی این ریسک پررنگ تر از گذشته شده است. زنجیره تولید شکر در کشور از دو ماده اولیه یعنی نیشکر و همچنین چغندر استفاده می کند. اگر تنها تولید شکر از چغندر را مبنای محاسبات قرار دهیم، سطح زیر کشت و همچنین میزان برداشت چغندر، توان بالقوه تولید شکر را در کشور تعیین می کنند. با توجه به ظرفیت کارخانه های شکر از چغندر، تقریباً تمام چغندر برداشت شده در مراحل تولید به شکر تبدیل می شوند.

مصرف سالانه شکر در کشور براساس اطلاعات در دسترس، حدود ۲ تا ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن است. در سال ۹۶ بیش از ۲ میلیون تن شکر در کشور تولید شد که از این مقدار حدود یک میلیون و ۱۴۰ هزار تن به شکر حاصل از چغندر اختصاص داشت. میزان چغندر مصرفی در این سال حدود ۸ میلیون تن بود که با عیار حدود ۱۷ درصد و ضریب استحصال بیش از ۸۰ درصدی رسیدن به چنین مقدار تولید ممکن شده بود (یعنی برای تولید هر کیلو شکر ۷ کیلو چغندر مصرف شد) اما در سال ۹۷ به دلایل مختلف مانند خشکسالی، کاهش کیفیت و کشت چغندر را شاهد بودیم. کل تولید شکر چغندری در سال گذشته به کمتر از یک میلیون تن رسید. این موضوع افزایش وابستگی به واردات را به دنبال دارد. آمار دقیق از سطح زیر کشت چغندر در سال ۹۸ در دسترس نیست اما به نظر می رسد موارد مختلفی به خصوص صرفه کمتر چغندر با توجه به قیمت گذاری دولتی نسبت به کشت های جایگزین کشاورزان، باعث شده که تمایل به کشت چغندر کاهش یابد. چراکه با وجود اینکه محصولات کشاورزی مانند گوجه، خیار، سیب زمینی یا پیاز به صورت میانگین در بهار ۹۸ نسبت به بهار ۹۶ بیش از ۱۲۰ درصد رشد قیمتی را تجربه کرده اند، میزان رشد قیمت چغندر، تنها ۲۰ درصد (ناشی از هزینه حمل و نه عایدی برای کشاورز) بوده است.

در حالی که قیمت شکر در بازار در بازه زمانی مشابه، ۱۲۰ درصد رشد داشته است؛ البته نرخ مصوب فروش شکر کارخانه ها همچنان در اندازه های غیر واقعی تعیین شد و شکاف قیمتی که بین بازار و کارخانه، به وجود آمد تنها به تقویت نیروهای رانتی منجر شد. کاهش انگیزه به کاشت چغندر در برابر سایر محصولات به کاهش تولید این محصول ختم شده و این، زنگ خطر کاهش تولید شکر و اثر افزایش وابستگی به واردات را به صدا در آورده است. انتخاب کشاورز برای جایگزینی چغندر از نظر اقتصادی منطقی است.

برای درک بهتر این موضوع، باید خود را جای کشاورزی بگذاریم که سالیان درازی به کشت چغندر مشغول بوده است. این کشاورز شاهد جهش قیمت ها در سایر محصولات است اما شواهد به او نشان می دهند که قیمت چغندر بنابر فشار دولت پایین بماند (قیمت شکر و چغندر به صورت متوازن از سوی نهادهای دولتی تعیین می شوند). این کشاورز در زمینش امکان کاشت محصول دیگری را نیز دارد که قیمت آن چند برابر نسبت به چغندر رشد کرده است. طبعاً هر شخصی جای این کشاورز باشد، گزینه دوم را امتحان خواهد کرد. همین مثال ساده روشن می کند که چگونه دخالت دولت، می تواند به کل ساختار اقتصادی کشور ضربه وارد کند و یک صنعت را به ورطه نابودی بکشد. دنیای اقتصاد

بازار شکر ایران همنا با اقتصاد کشور مسیر پرتلاطمی را تجربه کرده است. به طوری که قیمت شکر برای مصرف کننده مثل بقیه کالا های مشابه رندهای قابل توجهی را تجربه کرده است. با سیاست های اقتصادی حاکم بر بازارها قیمت شکر حتی در اوایل سال ۹۸ به بیش از ۱۰ هزار تومان نیز رسید. شیوه ای که دولت

برای تنظیم بازار شکر برگزیده، اختصاص ارز با نرخ ترجیحی برای واردات و پایین نگه داشتن قیمت مصوب فروش شکر برای تولید کنندگان بوده است. اما این استراتژی تنظیم بازار، به نظر با شکست کامل مواجه شد.

تبعات سیاست ها

سیاست هایی که دولت تاکنون پیش گرفته، چه تبعاتی را به دنبال داشته است؟ با اینکه اتخاذ سیاست یارانه ارزی، رانت بیش از ۱۵۰۰ میلیارد تومانی را برای دلان شکر ایجاد کرد؛ اما مصرف کننده شکر از این سیاست نفعی نبرد و در شرایط کنونی، قیمت شکر برای مصرف کننده، از پیش بینی های دولت فاصله زیادی گرفته است. نکته نگران کننده ای که تاکنون کمتر به آن توجه شده، فشاری است که بر تولید کنندگان وارد می شود. فشاری که ریسک نابودی زنجیره تولید شکر را افزایش داده است. تداوم سیاست کنونی، علاوه بر اینکه نفعی به مصرف کننده نرساند، می تواند منجر به کاهش شدید کشت مواد اولیه تولید شکر مانند چغندر قند (کشاورزان به سمت محصولات جایگزین با صرفه اقتصادی بیشتر رفته اند) و به دنبال آن افت محسوس تولید شکر در آینده شود. این موضوع نتیجه ای جز تشدید وابستگی اقتصاد کشور به واردات را به دنبال ندارد. به صورت مشخص در شرایط کنونی، دو سیاست رانت ارز دولتی برای واردات و اجبار تولید کنندگان شکر به ارزان فروشی، در حال نابود کردن تولید است و حتی نفعی برای اهداف کوتاه مدت (قیمت شکر در بازار رشد یافته است) نداشته و تنها سودی کلان را برای دلان و متقاضیان رانت در این بخش فراهم آورده است.

سه جنبه مثبت تغییر استراتژی

سیاست حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی از نگاه کارشناسان اقتصادی یک اقدام مثبت بود که می توانست علاوه بر حذف رانت و کمک به بودجه دولت، به رونق تولید نیز کمک کند. مهم ترین نگرانی برای حذف ارز ارزان، نگرانی از گرانی برخی از کالاها مانند دارو، روغن نباتی، مرغ و تخم مرغ و مواردی از این دست در کوتاه مدت است. در حالی که این نگاه کوتاه مدت به اقتصاد، خود مهم ترین دلیل وابستگی شدید کشور به واردات شده است. گرچه در کوتاه مدت، حذف ارز دولتی مثلاً در تأمین روغن خوراکی، رشد نسبی قیمت این کالا را به دنبال دارد، اما در کنارش در مدت زمان کوتاهی می توان انتظار احیای زنجیره تولید، مانند افزایش کشت دانه های روغنی، بدون حمایت مصنوعی دولت را انتظار داشت.

در حالی که ادامه رویه کنونی می تواند نابودی زنجیره تولید شکر را به بار آورد. در کنار این دو جنبه کوتاه مدت و بلندمدت، عدم دخالت دولت در بازار شکر، موجب افزایش توان مالی بودجه نیز خواهد شد. هر یک میلیون تن واردات شکر حدود ۲۵۰ میلیون دلار هزینه واردات را برای کشور به دنبال دارد. بر این اساس کاهش فشار بر بودجه دولت (حذف دلار دولتی در این بخش)، کاهش قیمت «واقعی» مصرف کننده در بازار (نه توهم دولت از شکر ۳۴۰۰ تومانی) و جلوگیری از تضعیف و رکود زنجیره تولید شکر از اثرات تغییر استراتژی در این بازار است. میزان رانت ایجاد شده در اثر اختلاف نرخ فروش شکر در بازار با قیمت مصوب فروش کارخانه ها و همچنین اختلاف نرخ شکر وارد شده با دلار ۴۲۰۰

دیگر اقلام مصرفی که از آشفتنگی نظام توزیع و برهم خوردن سامان تولید خبر می دادند این همه با خزان بازار سرمایه همراه شد، بورس که در نیمه نخست همه سیاسی ها دوست داشتند خود را به آن بچسباندند و از آیت الله خامنه ای تا حسن روحانی و دیگر مقام های دولتی همگان را به سرمایه گذاری در آن بازار دعوت می کردند، در نیمه دوم سال بار سیاستمداران شد که با هر اظهار نظری اوضاع را وخیم تر می کردند. بازار به ویژه تازه واردات بورس سراسیمه و بی اعتماد به دنبال نقد کردن هر چه سریع تر سهام خود و سرمایه گذاری در بازارهای موازی بودند و این مهاجرت پر شتاب متولیان بازار را می ترساند. دولت با فشار بر بازار، تأمین نیاز ریلی خود را دنبال می کرد و بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی و تأمین مالی دولت از مسیری به جز چاپ اسکناس، فروش اوراق بدهی و خزانه را در دستور کار داشت. اجرای همزمان سیاست های مالی و پولی رقیب و متناقض هر بار حال یکی از بازارها را دگرگون می کرد و سیاست گذار سرگشته در میان این نابسامانی ها مسکن هایی رنگ به رنگ به بیمار می خوردند. بورس که سرازیر شد، سر باز ایستاد نداشت، تخلیه حساب، اصلاح قیمتی، واقعی شدن بازار یا هر نامی که برای این سرازیری بگذاریم برای سیاسی ها وحشتناک بود و برای تازه وارد های به بورس کابوسی تمام عیار.

کورسوی رشد

دولتی ها هر چه بیشتر از حمایت می گفتند بورس کمتر باور می کرد، قله های فتح شده یکی یکی از دست رفتند، بند و بست هایی بر پای سهامداران گذاشته شد تا خروج سرمایه محدود شود و روند کاهش شاخص ها و قیمت ها به روندی فرسایشی بدل شد و منفی باقی ماندن های بازار را طولانی تر می کرد، در نهایت شاخص در روزهای پایانی سال در حدود یک میلیون واحد آرام گرفت که البته باز نسبت به آغاز سال بازدهی بدی نبود، با این حال بسیاری از سرمایه گذاران تازه وارد را سرشکسته کرد.

روایت رسمی از بازار کار ایران در پاییز ۹۹ چنگی به دل نمی زد، با اینکه جمعیت در سن کار (۱۵ سال و بیشتر) نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۷۰۰ هزار نفر بیشتر شده بود اما شمار جمعیت فعال اقتصادی یعنی کسانی که در بازار کار حضور داشتند نسبت به پاییز سال قبل از آن حدود ۱.۵ میلیون نفر کمتر بود. تعداد شاغلان هم بیش از یک میلیون نفر کاهش یافته بود و البته در این کمتر شدن ها از شمار خیل بیکاران نیز حدود ۴۰۰ هزار نفر کاسته شد.

گزارش مرکز آمار ایران از نرخ رشد اقتصادی ۹ ماهه که آخرین گزارش رسمی از وضعیت کلان اقتصاد ایران در سال ۹۹ بود نشان می داد که نرخ رشد اقتصادی فصل پاییز به ۰.۸ درصد رسیده است. آخرین باری که نرخ رشد فصلی اقتصاد ایران مثبت اعلام شده بود به بهار سال ۹۷ باز می گشت و از آن پس در تمام ۹ فصل تا پاییز ۹۹ اقتصاد ایران کوچک تر شده بود. اما رشد ناچیز اقتصاد ایران در فصل پاییز نتوانسته بود رندهای منفی نیمه نخست سال را جبران کند و کماکان رشد ۹ ماهه اقتصاد ایران منفی (۱.۲- درصد) بود.

روزنه امید به ادامه رشد مثبت اقتصاد ایران در فصل های بعدی با پیش بینی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول همخوانی داشت و می توان امیدوار بود که در نهایت کارنامه کاری سال ۹۹ با دست یابی به رشدی در حد صفر یا حداکثر در دامنه یک درصد به پایان برسد.

اما این نرخ رندهای ناچیز برای جبران آنچه در یک دهه گذشته بر سر اقتصاد ایران رفته هرگز کافی نخواهند بود. رسیدن مصرف بخش خصوصی به کف ۱۰ سال گذشته و منفی باقی ماندن نرخ رشد سرمایه گذاری ثابت نشانه هایی اسف بار از ناامیدی و افت سطح رفاه و تنزل کیفیت زندگی ایرانیان به حساب می آید.

سالی که بهارش یک سره ناامید کننده به نظر می آمد با بیم و امیدهایی توامان به پایان خود رسید، گویی این سرنوشت محتوم فعالان اقتصادی ایران در یک دهه گذشته بوده است که باید با اگر و مگرهای معمول سر کنند. تورم باقی مانده در اوج ۳۰ تا ۴۰ درصدی که با کسری بودجه سال آینده دولت کماکان در محدوده کابوس باقی خواهد ماند و اقتصادی که همچنان از عدم قطعیت ها و نااطمینانی های سیاست داخل و خارج در هراس خواهد بود و تولید کنندگان نفس پرده ای که به امید بهبود فضای کسب و کار خود آخرین رویاهایشان را می بافند.



دخالت دولت در بازار و داستان نوکیسه‌ها



حسین سلاح‌ورزی | نایب رییس اتاق ایران

فلسفه و عقبه فکری مقوله‌ای به نام «تنظیم بازار» از کجا پدیدار شد و چرا در ایران این نهاد پا گرفت و ریشه دواند؟ برای اینکه این مقوله بسیار بااهمیت که بن‌مایه و خمیرمایه تعداد قابل‌اعتنایی از تصمیم‌های مهم حکومتی در تاریخ معاصر اقتصاد سیاسی ایران است باز کاوی دقیق و کارشناسی شود، به نظر می‌رسد باید کمی به عقب یعنی به پایان دوره قاجار و نیز شروع دوران سلطنت پهلوی اول برگردیم. واقعیت این است که در ایران نظام شاهی هرگز راه را برای زاد و رشد نهاد بازار به معنای محلی که در آن شهروندان آزادانه کالاهای مازاد خود را در رقابت با دیگرانی که همین کالا را عرضه می‌کنند ارایه و بفروشدند، باز نکرده، بلکه آن را ناهموار کرده است. دربار شاهی و شخص شاه تصورش بر این بود و آن را به وسیله همکارانش در نهادهای لشکری و کشوری اجرایی می‌کرد که در همه جزئیات زندگی شهروندان از جمله داد و ستد باید دخالت کند و سهم حاکم را بگیرد. پس از روی کار آمدن رضا پهلوی در ایران و تبلیغات پرچم بر این پایه که باید یک دولت قوی تشکیل شود تا شورش‌ها و نافرمانی‌ها در مناطق گوناگون را نابود کرده و ایران متحد را زنده کند در ذهن و جان شهروندان از جمله روشنفکران ریشه دواند و نهادینه شد. رضا پهلوی این کار را کرد و شهروندان نهاد دولت را نجات‌دهنده فرض کردند و نیز شخص رضاشاه را ناجی پنداشتند. در این وضعیت بود که داستان مبارزه با فروش گندم و آرد و نان گران در کانون توجه قرار گرفت و سازمان غله تأسیس شد. در همین دوره بود که سازمان قند و شکر و نیز برخی نهادهای حکومتی تأسیس شدند تا بازار را تنظیم کنند. شهروندان سالمند ایرانی هنوز وقتی از گران‌فروشی و گران‌فروشان ناراحت و ناراضی می‌شوند با صدای بلند می‌گویند به یک رضاخان احتیاج است که نان‌های گران‌فروش را داخل تنور بیندازد و نان‌های آرام سازد. فلسفه تنظیم بازار بنابراین در تاریخ معاصر و در سده‌ای که کمتر از سه ماه دیگر رفتن آن را می‌بینیم این‌گونه پدیدار شد.

واقعیت این است که باز کاوی اقتصاد ایران در تاریخ معاصر و با یک دیدگاه کارشناسانه و برپایه آموزه‌های دانش عمومی اقتصاد بررسی کافی نشده است. سرچشمه بسیاری از باورها و رفتارهایی که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در ایران رخ داد و سپس پس از پیروزی انقلاب اسلامی با شکل تازه اما با همان ماهیت ادامه پیدا کرد را باید به همان نکته‌ای که در بالا به آن اشاره کردم جست‌وجو کرد. دولت مقتدر و همه‌کاره در ایران که از سال ۱۳۰۰ به آن دامن‌زاده می‌شد، کارگزاران نیرومندی در دولت‌های رضا پهلوی داشت. به‌طور مثال می‌توان به تیمورتاش وزیر دربار پر قدرت وی تا زمانی که به سقوطش منجر شد و نیز علی‌اکبر داور وزیر مالیه رضا شاه نگاهمندی انداخت. داور به این نتیجه رسیده بود که تأسیس و بهره‌برداری از شرکت‌های دولتی می‌تواند اقتصاد را در حالت خیز به جلو قرار دهد. در همین دوره بود که انحصار شکر و چای در ۱۳۰۴، انحصار تجارت خارجی در ۱۳۱۰، انحصار تریاک در ۱۳۰۷، انحصار دخانیات در ۱۳۰۸، انحصار ابریشم و نوغان در ۱۳۱۱، انحصار کالاهای نخی و پنبه‌ای در ۱۳۱۳، انحصار واردات اتومبیل در ۱۳۱۵، انحصار غلات در مرداد ۱۳۱۴، انحصار قالی در ۱۳۱۵، انحصار خشکبار در فروردین ۱۳۱۵، انحصار صدور پنبه، پشم و پوست، آنقوره و... توسط دولت و با مصوبه‌های دولتی و مجلس ایجاد و برای هر کدام یک شرکت دولتی تأسیس شد.

از سوی دیگر و در جبهه مخالفان رضاشاه نیز به‌طور مشخص حزب توده قرار داشت که مؤسسان آن نیز به شکلی دیگر دولت‌گرایی را مطرح می‌کردند و تصورشان این بود که بدون دخالت دولت بازارها تنظیم نمی‌شود. اگر فهرست شرکت‌ها و سازمان‌هایی که در دهه ۱۳۳۰ تا سال پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس شده است را به شرکت‌های تأسیس شده در دوران داور اضافه کنیم به نتایج جالبی می‌رسیم که ریشه‌های تنظیم بازار را در ذهنیت مدیران و رهبران سیاسی نشان می‌دهد. تأسیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، تأسیس بانک صنعتی، بنگاه توسعه ماشین‌آلات کشاورزی، سازمان‌های عمران دشت مغان، جیرفت و... در دهه ۱۳۴۰ انجام شد. این سازمان‌ها و نهادها هر روز بر میزان قدرت خود می‌افزودند و گسترش پیدا می‌کردند و نشان می‌دادند که اقتصاد آزاد و رقابتی هرگز به درون سیستم سیاسی و در ذهن تکنوکرات‌ها و صاحبان قدرت راه نیافته است. تأسیس واحدهای بزرگ فولادسازی، ماشین‌سازی، نیروگاه، سد، پالایشگاه و... در دهه ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۷ نشانه‌های آشکار تفوق و برتری اندیشه‌های اقتدارگرایانه بود. در همه این سال‌ها برخلاف آنچه که در ظاهر دیده می‌شد، این دولت و شرکت‌های دولتی بودند که زاد و رشد می‌کردند. دستور ساخت کارخانه نان ماشین‌دولتی (صورت‌جلسات شورای اقتصاد، ۲۵ شهریور ۱۳۴۳)، تقویت شرکت سهامی کارخانجات دولتی (صورت‌جلسات شورای اقتصاد، ۲۹ شهریور ۱۳۴۳)، طرح عمران قزوین، توسعه شیلات شمال، تأسیس سازمان ماهی ایران (صورت مذاکرات شورای اقتصاد، ۱۲ مهر ۱۳۴۳)، توسعه شبکه برق دولتی (صورت‌جلسه ۲۲ آذر ۱۳۴۳)، تأسیس صندوق توسعه کشاورزی دولتی (صورت‌جلسه ۲۳ فروردین ۱۳۴۳)، توسعه صنایع پتروشیمی دولتی (صورت‌جلسات ۲۹ فروردین ۱۳۴۳)، طرح تأسیس ذوب‌آهن دولتی (صورت‌جلسه ۲۴ خرداد ۱۳۴۴، ۱۳ تیر ۱۳۴۴ و...)، تأسیس شرکت معاملات خارجی (صورت‌جلسه اول شهریور ۱۳۴۴)، برنامه تأسیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (صورت‌جلسه ۱۰ آبان ۱۳۴۴) و... در همین دوره انجام شده است. در همین سال‌ها بود که شاه مدام دستور تثبیت قیمت‌ها را می‌داد و با گران‌فروشی مبارزه می‌کرد (در ۲۹ فروردین ۱۳۴۴ در شورای اقتصاد شاه گفت: کلیه اقداماتی که برای تقلیل هزینه زندگی لازم است به عمل آید) و روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۴ شاه گفت: تنزل قیمت‌ها کافی نیست. باید با گرانی تصنعی مبارزه کرد، در غالب موارد افزایش قیمت‌ها دلیلی جز سودجویی افراد ندارد. شاه حتی تا جایی پیش رفت که سهام کارخانه‌های بخش خصوصی را

هم به کارگران واگذار کرد. در همه سال‌های ۱۳۳۰ به بعد جامعه روشنفکری ایران نیز زیر یوغ تفکرات اقتدارگرایانه قرار داشت. در حالی که قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ در جهان به شکل شگفت‌آمیزی روند فزاینده را تجربه می‌کرد، بیماری هلندی وارد جسم و جان اقتصاد ایران شد و نرخ تورم دورقمی را پدیدار کرد. در همان سال‌ها بود که سازمان نظارت بر قیمت‌ها در وزارت بازرگانی شکل گرفت و مبارزه با گران‌فروشی به یکی از اصول انقلاب شاه و ملت یا انقلاب سفید تبدیل شد. حالا پرسش این است که تنظیم بازار بر اساس کدام ضرورت‌ها به یک اصل استوار در اقتصاد ایران تبدیل شده که نزدیک به یک سده است دوام آورده است؟ در پاسخ باید بگویم فلسفه تنظیم بازار را همان چیزی می‌دانم که به آن اشاره کردم. اما می‌توان به بخش فراموش‌شده‌ای از این مقوله نیز پرداخت. در ایران و در تاریخ معاصر بخش خصوصی ایران نیز هرگز به یک نهاد نیرومند قابل اعتماد و متکی به خود و مطالبه‌گر و مبارز در برابر زورگویی‌های اقتصادی نهاد دولت تبدیل نشد. بخش خصوصی ایران در دوره‌های گوناگون و در دوره‌هایی که گمان می‌برد دیگر نیرومند شده است، ناگهان اسیر تیر غیب فرمان‌های دولتی و حکومتی بر روح و جسمش می‌شد. برای اینکه بدانیم وضعیت چیست، می‌توان به چند نمونه تاریخی اشاره کرد. در روزهایی که رضا پهلوی و سید ضیاء دست در دست هم کودتا را تدارک می‌دیدند، سید ضیاء با صدور یک فرمان تعداد قابل توجهی از هواداران بورژوازی را به زندان انداخت تا برای خودش محبوبیت سیاسی خریداری کند. در دوره اوج شکوفایی بورژوازی صنعتی ایران بود که محمدرضا پهلوی تقسیم سهام شرکت‌های خصوصی بین کارگران را یکی از اصول انقلاب سفید معرفی کرد و تضعیف بخش خصوصی را کلید زد. پس از آن و در سال ۱۳۵۸ بود که مصادره و ملی کردن بنگاه‌های خصوصی از سوی شورای انقلاب اجرا شد. اما بخش خصوصی ایران هرگز نتوانست نهادی نیرومند باشد که حزب خود را دارد، نشریه و ارگان تبلیغی خود را دارد و مناسبات خارجی خود را در چارچوب صیانت از منافع ملی درست کرده است. بخش خصوصی ایران در همه سده سپری‌شده نتوانست قدرت خود را در تنظیم بازارها نشان دهد. بوروکرات‌ها و سیاستمداران خیمه‌زده بر درآمدهای نفت نیز با وصل شدن به بازارهای خارجی هرگاه اراده می‌کردند با انبوه واردات بازار را تنظیم کرده و به شهروندان آدرس اشتباه داده و بخش خصوصی را عامل گران‌فروشی معرفی می‌کردند. شهروندان ایرانی نیز باور و ایمان دارند که تنها دولت است که می‌تواند با گران‌فروشان



پشت سر نهادن همیشگی بدبختی نرخ ارز



مبارزه کند. به این ترتیب سیاستمداران، بوروکرات‌ها و نیز شهروندان دست در دست هم تنظیم بازار آن هم از سوی دولت را یک ضرورت می‌دانند.

اما واقعیت این است که سیاست تنظیم بازار به معنای کنترل قیمت‌ها از مسیر دستوره‌های اداری و دولتی و تأسیس سازمان‌ها و نهادهای پر شمار دولتی و نیز سرکوب قیمت‌ها از روش‌های استبدادی دیوان‌سالاری ذهنیت ایرانیان را نسبت به کارآمدی نظام قیمت‌ها بدبین کرده است و راه شناساندن توانایی‌های این نظام بازار را ناممکن کرده است. بزرگ‌ترین آسیب فلسفه تنظیم زوری بازار که متأسفانه در میان روشنفکران و گروه‌های مرجع فکری ایران از اوایل این قرن رسوب کرده است نگاه منفی به کارآمدی اقتصاد رقابتی بوده و هست. علاوه بر این در همه دوره‌های تاریخی برای رسیدن به بازار تحت کنترل دولت هزاران هزار میلیارد تومان از منابع عمومی به صورت رانت و تولید گلوگاه‌های فساد هدر رفت. اگر بخواهیم به این مقوله صورت واقعی‌تری بدهیم به همین تصمیم سال ۱۳۹۷ و تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی می‌توانیم اشاره کنیم. با وجود اعتراض، انتقاد و توصیه‌های اقتصاددانان و فعالان اقتصادی که تخصیص ارز ارزان قیمت به گسترش رانت و فساد منجر می‌شود، اما دولت هنوز اصرار دارد این روش را با هدف تنظیم بازارهای کالا انجام دهد. در حالی که این تصمیم دولت از نظر مالی بسیار آسیب‌ساز بوده و هست. اما اصرار است که این کار ادامه یابد. آسیب بزرگ دیگری که اجرای دستوری و اداری تنظیم بازار بر جای گذاشته است، یکی شدن دوغ و دوشاب در بخش کارفرمایی بوده و هست. وقتی دولت اصرار دارد رانت توزیع کند کارفرمای پیشگام و نوآور و غیر رانت‌جو از بازار خارج می‌شود و گروهی که به ادب تجارت و تولید باور ندارند و تنها مزیتشان نزدیکی به نهادهای توزیع اطلاعات مهم اقتصادی است سر برمی‌آورند. داستان نوکیسه‌هایی که در این دهه‌ها از کنترل قیمت ارز و پول و تعرفه به ثروت‌های هنگفت رسیده و نابرابری در جامعه ایرانی را شکل دادند از پیامدهای منفی و بازدارنده تنظیم بازار به روش‌های اجرا شده در این سال‌ها است. تصور کنید اگر یک نفر در سال ۱۳۹۷ به هر دلیل توانسته بود رقمی معادل ۱۰۰ هزار دلار با قیمت هر دلار ۴۲۰۰ تومان برای واردات کالا بگیرد و کالا وارد نکند که این اتفاق بارها گزارش شده است و آن را امروز به بازار ارز عرضه کند، رقمی برابر با ۲ میلیارد تومان سود بی‌زحمت به دست آورده است. با توجه به اینکه میانگین حداقل مزد در این مدت ۲ میلیون تومان در ماه بوده است، این فرد بدون اینکه زحمتی به خود بدهد به اندازه درآمد یک ماه ۱۰۰۰ نفر رانت به دست آورده است. در این وضعیت آیا نخبگان حسرت نمی‌خورند و از هوش و دانش خود برای رسیدن به رانت‌های عجیب که سرچشمه آنها همین سیستم تنظیم بازار است استفاده نمی‌کنند؟

در عین حال نتایج و پیامدهای سیاست‌های تنظیم بازار در همه دهه‌ها در تاریخ معاصر ایران و با استناد به نرخ تورم در ایران و مقایسه میانگین نرخ تورم در ایران و کشورهای دیگر نشان می‌دهد این سیاست هرگز موفق نبوده است. نمونه‌های پرشماری را می‌توان به عنوان مصداق ناکامی سیاست تنظیم بازار در همین چند ماه گذشته آورد. آیا سیاست سرکوب ارز به تثبیت ارزهای معتبر از جمله دلار کمک کرد؟ رشد و شتاب قیمت‌ها در بازار ارز و سکه در ۹ ماه گذشته و نیز قیمت مواد غذایی و مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای نشان می‌دهد سیاست تنظیم بازار دستوری کامیاب نبوده است. الان قیمت گوشت مرغ، گوشت قرمز، تخم‌مرغ، اتومبیل و یخچال با قیمت‌های مصوب و اعلام‌شده سازگاری دارد؟ این است نتایج تنظیم بازار در ایران.

مهندس محمد پارسا

اقتصاد ایران برخلاف تمایل و خواست مقام‌های سیاسی در همه نیم سده تازه سپری شده توانایی به دست آوردن استقلال از اقتصاد جهانی را به دست نیاورده است. به طوری که تنها برای واردات نهادهای دامی، دارو و تجهیزات پزشکی و کالاهای اساسی مثل شکر، برنج، روغن نباتی و چای سالانه میلیاردها دلار باید ارز داشته باشیم. علاوه بر این و بر اساس تقسیم بندی‌های رایج ارایه شده از سوی نهادهای رسمی دولتی از کل واردات ایران ۸۵ درصد آن واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تولید است. به طوری که اگر واردات ایران کاهش یابد شاهد رکود تولید خواهیم بود که بر نرخ بیکاری مؤثر است. همچنین درآمد ارزی ایران بیشتر از هر کالایی به درآمد صادرات نفت خام و نیز میعانات گازی و فرآورده‌های نفت و پتروشیمی وابسته است. براساس تازه‌ترین آمار ارایه شده از سوی معاون اول ریاست جمهوری در نمایشگاه نفت و گاز در دوسال اخیر رقمی معادل ۱۰۰ میلیارد دلار از درآمد ارزی ایران به دلیل تحریم‌ها کاسته شده است. همه آنچه در بالا نگاشته شد برای نشان دادن اهمیت نرخ ارز در کسب و کار و معیشت ایرانیان است و متأسفانه در وضعیت غم‌انگیزی قرار داریم. آیا راهی برای پشت سر نهادن این وضعیت ناراحت‌کننده و آسیب‌زننده به شهروندان و منافع ملی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد اصلاح سیاست‌های ارزی و در کانون این سیاست‌ها اصلاح ساختار نرخ ارز وجود دارد؟ تجربه جهانی نشان می‌دهد شمار قابل اعتنایی از کشورهای جهان این مسأله را حل کرده‌اند. به این ترتیب که بیشتر کشورها سیاست سرکوب نرخ ارز را که به تثبیت دستوری نرخ تبدیل ارزهای معتبر در برابر پول ملی است کنار نهاده و در بدترین حالت سیاست ارزی مدیریت شناور ارز را جایگزین کرده و نیز از آن هم عبور و راه را برای آزادسازی نرخ ارز در بازار آزاد صاف کرده‌اند. بنابراین، ایران نیز چاره‌ای ندارد و تجربه جهانی و منطق نیرومند دانش اقتصاد می‌گوید باید آزادسازی واقعی نرخ ارز اتفاق بیفتد. دقت در گفتار و ماهیت مدافعان سیاست‌های ارزی که توصیه به سرکوب نرخ ارز دارند یا می‌گویند باید

دولت و بانک مرکزی الزاماً دامنه تغییرات نرخ ارز را در کنترل داشته باشد این است که در غیر این صورت بر ابعاد فقر به دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات اضافه شده و این از سیاست‌های اصلی رسیدگی به تهی‌دستان عبور می‌کند.

اما واقعیت این است که این دو سیاست ارزی از دهه ۱۳۴۰ تا امروز به ویژه در ۱۰ سال اخیر سد راه توسعه فقر نشده است و سد راه رشد قیمت‌ها نبوده است. بنابراین می‌توان با استناد به آمارهای گوناگون نشان داد سیاست‌های ارزی اعمال شده تا امروز در رسیدن به این راهبرد کامیابی نداشته است و باید راه نو رفت. برای اینکه گرفتاری احتمالی برای کم‌درآمدها گسترش نیابد و تا روزی که فقر از کشور ریشه‌کن نشده است با سیاست‌های یارانه‌ای کارآمد از کم‌درآمدها به شکل‌های گوناگون حمایت کرد.

تعالی ارزی و آزادسازی

اگر می‌خواهیم از ویرانگری‌های جهش‌های نرخ ارز و پیامدهای ناراحت‌کننده آن مثل تخصیص رانت ارزی، افزایش شدید قیمت کالاها و خدمات و تورم‌های دورقمی و تا ۳۰-۴۰ درصدی و فساد ارزی برای همیشه رها شویم راهی جز آزادسازی نرخ ارز وجود ندارد. شاید این هراس باشد که در این صورت ممکن است عدم تعادل در بازار ارز مصیبت درست کند اما به چند دلیل بلایی نازل نخواهد شد که از بلای فعلی ویرانگرتر شود. آزادسازی نرخ ارز اولاً صف‌های بزرگ رانت‌خواران برای دریافت ارز ترجیحی را کاهش می‌دهد و از حجم تقاضای ارز کم می‌کند. ثانیاً قاچاق معکوس و قاچاق کالا به داخل را کاهش می‌دهد و نیز واردات چمدانی و قاچاق میلیون‌ها مسافر به ایران و از مرزهای آبی و خاکی را کاهش داده و تقاضای مؤثر ارز به موارد ضروری منحصر خواهد شد. از سوی دیگر آزادسازی نرخ ارز و کاهش دستوره‌های دولتی و بانک مرکزی برای تعیین نرخ ارز و فشار بر صادرکنندگان، توسعه صادرات را در یک چرخه کارآمد و فزاینده قرار خواهد داد. در این صورت تعادل ارزی به شکل ساختاری و برپایه مبادله آزاد شکل و قوام پیدا می‌کند. برای رهایی از بدبختی دگرگونی‌های شگفت‌انگیز نرخ ارز راهی جز آنچه که به صورت کوتاه در این نوشته آمد وجود ندارد

